



پواتن سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر | شماره پنجم، جمعه ۵ بهمن ۱۳۹۷



## در خدمت فجر

زن و مرد، باتجربه و جوان، مدیر و منتقد، و این سینماگرانی که همه و همه در خدمت فجر سی و هفتم اند تا این مهم را در چهل سالگی انقلاب به بایسته ترین و شایسته ترین شکل، به آغاز و پایانش برند

سینمای ایران سینمای نجیبی‌ست که بخشی از آن به ماهیت انقلاب و جامعه ایران بازمی‌گردد. این سینما و به‌ویژه فیلم‌های این‌دوره از جشنواره جهانی بزرگ در سینما هستند که ارزش‌های انقلابی جامعه را به خوبی نشان می‌دهند. در بخش نگاه نو هنرمندانی که برای اولین بار کارگردانی کرده‌اند، کارهایی فکورانه و خوبی به داخل میدان آورده‌اند. از حرفه‌ای‌ها و قدیمی‌های سینما نیز به‌حتم انتظار کارهای بزرگ می‌رود. البته نباید فراموش کنیم آدم‌های بزرگ این سینما هم ممکن است کارهای‌شان افت و خیزهایی داشته باشد. در کل سینمای ایران روبه رشد است و فکر می‌کنم سال آینده مردم فیلم‌های خیلی خوبی را به تماشا بنشینند. فیلم‌های امسال عموماً دغدغه اصلاح‌گری اجتماعی دارند، یعنی به یک مسئله اجتماعی پرداخته‌اند و سعی کرده‌اند راه حل ارائه دهند. بنابراین می‌توان گفت ما سینمایی داریم که دغدغه آن

تعالی اجتماعی است، نمی‌خواهم بگویم فیلم‌های ضعیف نداریم یا فیلم‌هایی که نگاه‌شان صرفاً سود و فروش گیشه است، اما جریان عمومی سینمای کشور نگاهش به تعالی فردی و اجتماعی‌ست. سینمای ایران نجیب است و حتی در این سینما خشونت هم در لایه‌ای از عفت و نجابت پیچیده می‌شود، در صورتی که تحلیلگران مکتب انتقادی نیز درباره جریان مسلط سینمای جهان می‌گویند خشونت، حادثه، مسائل جنسی و هیجان بن‌ماهه‌های تحرک در کارهای تصویری در سینما و تلویزیون است، اما سینمای ما تا حد زیادی از این بن‌ماهه‌ها فاصله دارد، البته نه به این معنا که از آن‌ها استفاده نمی‌کند، به این معنا که در سینمای ما این بن‌ماهه‌ها کلام و ادبیات متناسب با جامعه خود ما را داراست. اغلب فیلمسازان حاضر در جشنواره، فیلمسازان بعد از انقلاب هستند، با این اوصاف می‌توان به این نتیجه رسید که سینمای

## اصلاح‌گرهای اجتماعی

ایران به‌قطع جای خود را در بین طیف‌های مختلف باز کرده است، در واقع این سینما دیگر قابل چشم‌پوشی، تهدید و تحقیر کردن نیست. شاید از ضعف‌های جدی سینمای ما این باشد که ارتباطات مفهومی آن با جهان چندان قوی نیست. سینمای ما هنوز در ارتباطات استراتژیک قرار نگرفته است که بتواند به آن‌ها بپردازد، این بخش شاخه‌ای از ارتباطات است که نگاه خود را بیشتر به بیرون معطوف می‌کند. اما ما هنوز در این چارچوب قرار نگرفته‌ایم، اگر هم بوده، بسیار کم بوده است. بنابراین باید این مسیر به سمتی برود که بتواند به موضوعاتی که دنیا گرفتارش است و ما هنوز در آن سطح وارد نشدیم نیز بپردازد.

اگر هالیوود بر مبنای یک اندیشه وجود دارد، بالیوود هم برخلاف ۴۰-۵۰ سال پیش مبنای اندیشه‌ای خود را یافته است. شاید در سینمای دنیا آن‌هایی که قدرتمند هستند بر اساس چارچوب سینمای هالیوود کار می‌کنند که تا حدودی مورد توجه هم قرار می‌گیرند، البته تک فیلم‌هایی در سینمای دنیا ساخته می‌شود که خارج از این جریان مسلط جهانی مسیر خود را می‌یابند. از جمله کشورهایی که سینمای آن قابلیت‌های لازم را برای مطرح شدن داراست، سینمای ایران است که البته نیاز به تقویت دارد.

### حسن خجسته

عضو هیات انتخاب جشنواره سی‌وهفتم





## معرفی داوران بخش سودای سیمرغ

داوران بخش سودای سیمرغ سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر معرفی شدند. محمد احسانی، محمدعلی باشه آهنگر، محمد بزرگ‌نیا، مهرداد دانش، پوران درخشنده، ریما رامین‌فر و محمود کلاری داوری آثار بخش سودای سیمرغ جشنواره سی و هفتم را عهده‌دار هستند. این داوران ۲۲ فیلم بخش سودای سیمرغ و سه انیمیشن راه‌یافته به جشنواره فیلم فجر را داوری می‌کنند. سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر به دبیری ابراهیم داروغه‌زاده هم‌زمان با چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ۱۰ تا ۲۲ بهمن ماه برگزار می‌شود.



## نسخه کامل فیلم‌ها در دبیرخانه جشنواره فجر سی و هفتم

مدیر روابط عمومی سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر گفت: نسخه کامل فیلم‌های حاضر در جشنواره به دبیرخانه فجر تحویل شده است. مسعود نجفی، مدیر روابط عمومی سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر ضمن اعلام این خبر گفت: نسخه همه فیلم‌ها به دبیرخانه جشنواره تحویل شده است و مشکلی از نظر نرسیدن فیلم‌ها وجود ندارد. آخرین مهلت تحویل نسخه نهایی (DCP) فیلم‌های سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر، ساعت ۲۴ شب گذشته (دوشنبه یکم بهمن) بود. مهلت ارائه نسخه کامل فیلم‌ها پیش از این ۲۰ دی‌ماه بود که به درخواست فیلمسازان و با مساعدت دبیر جشنواره، تا اول بهمن ماه تمدید شد. بدین ترتیب، سه فیلم «آنجا همان ساعت»، «بی‌حسی موضعی» و «مدیترانه» که در فهرست رزرو بخش مسابقه قرار داشتند، از حضور در سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر بازماندند.

## استقبال سازمان‌ها از حضور در بخش تجلی اراده ملی

مدیر بخش تجلی اراده ملی از همراهی سازمان‌ها در سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر خبر داد.

تجلی اراده ملی یکی از بخش‌های جشنواره فیلم فجر است که برای ایجاد ارتباط نزدیک‌تر میان سازمان‌ها و اهالی سینما برگزار می‌شود. سازمان‌های دولتی و خصوصی می‌توانند ضمن بررسی آثاری که در بخش مسابقه سودای سیمرغ جشنواره پذیرفته شده، از نگاه خود به فیلم‌های منتخب با توجه به اولویت‌های موضوعی سازمان متبوع جوایزی اهدا کنند.

به گفته محمدعلی حجازی مدیر تجلی اراده ملی سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر، فراهوان این بخش منتشر شده و در مرحله مذاکره با سازمان‌ها، استقبال خوبی از این بخش صورت گرفته است و به‌زودی اسامی سازمان‌های حاضر در این دوره اطلاع‌رسانی می‌شود.



## سیمرغ پروانه‌ها در فجراستانی

پنج فیلم منتخب سینمای کودک و نوجوان در سینماهای محل اجرای جشنواره فیلم فجر در سراسر کشور به صورت رایگان اکران می‌شود. سید حسین سیدی مدیر بخش استان‌های جشنواره فیلم فجر با اعلام ابلاغ دستورالعمل اجرایی طرح سیمرغ پروانه‌ها به استان‌های برگزارکننده جشنواره گفت: دستورالعمل و جدول اکران رایگان پنج فیلم منتخب سینمای کودک و نوجوان در سینماهای برگزارکننده جشنواره در سراسر کشور به مدیران کل فرهنگ و ارشاد اسلامی ارسال شد. او با اعلام اینکه در طرح سیمرغ پروانه‌ها، نمایش فیلم‌ها بر اساس طبقه‌بندی گروه‌های سنی است، افزود: اکران فیلم‌ها در این طرح تنها در یک سالن جشنواره یک استان صورت می‌گیرد.

## کرمان میزبان جشنواره فیلم فجر می‌شود

کرمان از ۱۲ تا ۲۲ بهمن‌ماه با دو سینما میزبان جشنواره فیلم فجر خواهد بود. معاون امور هنری و سینمایی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان گفت: سینما مهتاب و سینما شهر تماشا در کرمان، سینماهای منتخب اکران فیلم‌های سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر در نظر گرفته شده است. وحید محمدی افزود: با تفاهم بین دبیر جشنواره و استان کرمان، ۱۱ تا ۱۴ فیلم در کرمان به نمایش در خواهد آمد که به‌زودی و با اعلام جدول فیلم‌ها به اطلاع عموم خواهد رسید.

## فیلم‌های جشنواره در سینماهای فلسطین و قدس همدان

۱۴ فیلم منتخب سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر در سینماهای فلسطین و قدس همدان اکران می‌شود. معاون امور هنری و سینمایی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان همدان در این باره گفت: باتوجه به استقبال چشم‌گیر مردم همدان از فیلم‌های جشنواره فجر، مقرر شد ۱۱ تا ۱۴ فیلم منتخب این دوره از جشنواره، از ۱۲ تا ۲۲ بهمن‌ماه همزمان با ایام گرامیداشت چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی در همدان اکران شود. هادی فیض‌منش ادامه داد: امسال هم جشنواره در سینما فلسطین و قدس همدان برگزار خواهد شد و سانس صبح‌ها، ویژه دانش‌آموزان در نظر گرفته شده است.

## تولداولین سینمای خصوصی زنجان با جشنواره سی‌وهفتم

سینما روشا در زنجان همزمان با دهه فجر با نمایش فیلم‌های سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر به ناوگان نمایشی کشور اضافه می‌شود. این سالن سینما که از سوی بخش خصوصی احداث شده دارای گنجایش ۲۵۰ نفر است و همزمان با چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی در شهر زنجان شروع به کار می‌کند. در حال حاضر این مجموعه به سیستم مکانیزه فروش بلیت سینماتیکت مجهز شده است و به‌زودی بلیت‌فروشی اینترنتی این سینما در سینماتیکت آغاز می‌شود.



جشنواره فجر چگونه با نابازیگرانش رفتار کرد؟

## قاف نشینی با سیمرغ

نگار حسین‌خانی

این‌طور نیست که سیمرغ بیاید روی‌شانه همه بنشیند. گاهی امیدش به پرواز از چنگش‌رها می‌شود و روی‌شانه دیگری می‌افتد و گاهی هم خودش قاف را نشان می‌کند. او برای خوشبخت کردن، رسم‌های گوناگونی دارد. در این گزارش برگشته‌ایم و به گذشته جشنواره فجر نگاهی انداخته‌ایم. به سال‌هایی که گذشت و کارنامه بازیگرانی که در نقش‌آفرینی نخست خود راه صدساله را پیمودند. به آنانی که از این‌شانس استفاده نکردند و تنها جرقه‌ای شدند در تاریخ جشنواره‌ها. اکنون در آستانه سی‌و هفتمین دوره جشنواره فیلم فجر، رصد ۳۶ سیمرغ پیشین را از چشم می‌گذرانیم.



### سال 62 و ظهور بازیگری از دیار عاشقان

هنوز نه فرمانده شده بود و نه کسی که جشنواره دوم بخواهد از اعطای این جایزه به او اعتباری کسب کند. پرویز پرستویی با «دیار عاشقان» تازه پا به سینما گذاشته بود تا برای نخستین بازی‌اش جایزه مکمل مرد جشنواره دوم را از آن خود کند. جشنواره‌ای که تخم‌های سیمرغش هنوز به‌بار ننشسته بود و لوح‌های زرینش پر و بالی نداشت. «دیار عاشقان» حسن کاربخش با بازی خسرو شکیبایی، محسن صادقی‌نسب و پرویز پرستویی، قصه اعزام به جبهه و فرار بود. پرستویی یا همان مجتبی که در این فیلم بسجی بود، آخر قصه شهید می‌شود. همان سال‌ها پرستویی شهادت را بیش از هر کس با شهادت برادرش درک کرده بود و خوب می‌دانست چطور بازی‌اش کند. بازی در این فیلم جایزه‌ای به او بخشیده بود، اما این جایزه هیچ تأثیری در روند کاری پرستویی نداشت. او فیلم‌های بدی بازی کرد و تا یک دهه پس از آن موفقیت هم نتوانست سیمرغ‌های به‌بار نشسته را بر شانه خود حس کند. حداقل تا بازی در فیلم «آدم‌رفی» در سال ۷۳ که اگران عمومی هم نشد. اما همان اگران‌های خصوصی «آدم‌رفی» کمال تیریزی را وسوسه کرد تا از او در «لیلی با من است» بازی بگیرد و این آغاز اتفاقات خوب برای پرویز پرستویی بود.

بدنه سینمای ایران پیوند بزند. او با بازی در این فیلم سیمرغ را روی دست‌های خود نشاناند، اما زمانی طول نکشید که به نارگیل طلایی راضی شد. ملک‌نصر با ساخت فیلم «درد مشترک» توانست اکران سینمای روشنفکر را در عصر جدید به‌دست آورد و با کارگردانی چند مستند، سینما را به گونه‌ای دیگر دنبال کند. هرچند نتوانست مانند جشنواره یازدهم و حضور در فیلم سارا بدرخشد، اما توانست یک‌بار دیگر در جشنواره نوزدهم کاندیدای جایزه شود.

### سال 76، گلی و راه‌های نرفته‌اش

گلشیفته‌فراهانی به‌خاطر بازی در «درخت گلایی» داریوش مهرجویی توانسته بود جایزه بازیگر نقش اول جشنواره را از آن خود کند. بازیگری که در بازی اول خود مقیاس‌های جشنواره‌ای را جابه‌جا کرد. «درخت گلایی» داستان کوتاهی از مجموعه داستان «جایی دیگر» گلی ترقی است. در آن سال‌ها یکی از ایده‌های داوران جشنواره این بود که بازیگران کاراولی و به عبارتی نابازیگران نباید جایزه بگیرند چون هنوز بازیگری خود را ثابت نکرده‌اند و خودشان را بازی می‌کنند یا اگر جشنواره می‌خواهد چنین کاری انجام دهد باید بخش جداگانه‌ای برای این تازه‌کاران در نظر بگیرد، در حالی که این ایده با بازی فراهانی تغییر کرد. در این جشنواره گلی نخستین بازی سینمایی خود را جشن گرفته بود که داوران قول‌هایشان را متفق کردند و او را به عنوان بهترین بازیگر زن برگزیدند.



### سال 76، بادران و رویای بازیگر شدن

شاید سال 76 را بتوان سال ساختار شکنی‌های جشنواره فیلم فجر دانست. جشنواره‌ای که تا پیش از این بازیگران تازه‌وارد و نوپا را تحویل نمی‌گرفت. تصمیم گرفته بود علاوه بر جایزه نقش اول زن، جایزه مکمل زن خود را به بازیگر دیگری اهدا کند. بیتا بادران «آژانس شیشه‌ای» آن سال توانسته بود با الهجه درست مشهدی و بازی خوب خود نظر منتقدان و داوران را به‌خود جلب کند. «آژانس شیشه‌ای» که تقریباً سیمرغ‌های آن سال را درو کرده بود، یکی از آن‌ها را نسیب بادران کرد. اتفاقی که برای این بازیگر ادمکار نشد. او پس



### سال 63 و دهه جرقه‌های زودگذر

جبران شریفه حتی نامش برای دنبال‌کنندگان سینما هم ناشناخته است. زنی ایستاده در آستانه سال‌هایی که نمی‌توانستید به‌راحتی فراموشش کنید. او در دهه شصت پا گرفته بود و می‌توانست مانند همه اتفاقات و چیزهای آن دهه خاطره یا گم شود. جبران اما خود را بین همه آن خاطرات پنهان کرد. او که برای اولین ایفای نقشش در فیلمی سینمایی توانسته بود جایزه نقش مکمل زن جشنواره را از آن خود کند، پس از «مترسک» در دو فیلم سینمایی «شکوه زندگی» و «حصار» بازی کرد و برای همیشه تصویرش تارک شد. «مترسک» به کارگردانی حسن محمنازاده داستان مردی به نام اسماعیل بود که با پسر و دخترش، زندگی می‌کرد. پسر خانواده، علی همواره در هراس اینکه مبادا روزی نامادری داشته باشد و اذیتش کند، با وجود مهرپای‌های «استر خانم» یا همان جبران شریفه، با خشونت با این زن رفتار می‌کرد. این فیلم در سومین دوره جشنواره فیلم فجر هم برنده شد، اما موفقیت هیچ‌گاه خودش را به شکل سیمرغ به جبران نشان نداد. آنقدر که او در بین همه پلان و سکانس‌های سینمایی برای همیشه گم شد.



### سال 71، سال «سارا» و یاسمین

همین که جایزه مکمل زن را در جشنواره دریافت کرد دریافت دیگر نمی‌تواند بازیگر باشد. یاسمین ملک‌نصر تازه از آمریکا بازگشته بود و می‌توانست با بازی در فیلم «سارا»ی مهرجویی خیلی زود خود را به



آن سال هدیه تهرانی با «کاغذ بی‌خط»، لیلا حاتمی با «ایستگاه متروک»، میترا حجار با «فارج سمی» و گلچهره سجادیه با «تگین»، نتوانستند حریف این دختر ۱۵ ساله شوند که سال‌های بعد، بارها سینما را تحت تاثیر بازی خود قرار داد.

شماره پنجم، جمعه ۵ بهمن ۱۳۹۷

س و هفتم



### سال 83، حال همه ما خوب است، باور کن

لیلا زارع با فیلم «ما همه خوبیم» وارد سینما شد. دختری بی‌حاشیه که همین بی‌سر و صدا بودنش او را چند سال از سینما دور کرد. زارع پس از آنکه برای نخستین حضور سینمایی خود جایزه مکمل زن جشنواره را گرفت، خیلی کم و گزیده بازی کرد. شاید یک دلیل مهم‌جور بودن زارع در سینما کم دیده شدن «ما همه خوبیم» در اکران عمومی باشد. بازی در فیلم سوپرستار در سال ۱۳۷۸ و سریال ارمنان تاریکی در سال ۱۳۸۹ از دیگر بازی‌های او بود.



### سال 88، «لطفامزاحم نشوید» و آن شیرین

شیرین یزدانبخش همه آن سال‌های بی‌بهره گذاشتن سینمای ایران را از وجود خودش یکباره جبران کرد. زنی که پس از دوران بازی‌نشستگی تازه بازیگر شد. ماجرای شیرین، داستان همان علاقه‌مندی‌ست که دیر به رویایش می‌رسد، اما از آن نمی‌گذرد. یزدانبخش همه آن سال‌ها که به تئاتر می‌رفت و در نقش یک تماشاگر روی صندلی می‌نشست گمان نمی‌کرد روزی روی پرده سینما برود چه رسد به این که در اولین حضور سینمایی خود، «لطفامزاحم نشوید» محسن عبدالوهاب، جایزه مکمل زن را دریافت کند. پس از آن یزدانبخش با ایفای نقش در فیلم «ابد و یک روز»، یکبار دیگر نامزد دریافت جایزه سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش دوم زن از سی و چهارمین دوره جشنواره فیلم فجر شد. سیمرغی که به خودش برای کشف این استعداد افتخار خواهد کرد.

از آن با بازی در فیلم‌های ناموفق و حتی بدترین‌های تاریخ سینما تقریباً تصویری از خود در خاطر باقی نگذاشت. آنقدر که با بازی در «دلشکسته» که فیلم مهم و تاثیرگذاری هم نبود، خود را دوباره به تصویر بازگرداند و آن صفحه درخشان سیمرغ‌نشان را با جراحی‌های زیبایی که سعی داشت سینما را مفتون خود کند، برای همیشه از دست داد و از بهترین هنرجوی امین تارخ به جرقه‌ای گذرا بدل شد.



### سال 77 و مامان اتی سینمای ایران

برای احترام سادات حبیبیان بازی جلوی دوربین پسرش چندان سخت نبود. او در «مصائب شیرین» خودش را بازی کرده بود. پس از حضور موفق مادر در «قصه‌های مجید» کیومرث پوراحمد بود که شاید دادودنژاد به این فکر کرد از کنار مادر نمی‌شود به همین راحتی‌ها گذشت. او هم مانند پوراحمد به این فکر می‌کرد زندگی را به سینما دعوت کند. «مصائب شیرین» فیلمی به کارگردانی و نویسندگی علیرضا دادودنژاد بود. پس از این جریان امیر شهاب رضویان نیز به این رشته پیوست و شاید این موفق‌ترین پکیج هدفمند مادر بازیگر برای کارگردانان مطرح سینما باشد.

### سال 80 و ورود بهترین 15 ساله سینما

شاید اهالی مطبوعات و منتقدان آن اکران جشنواره‌ای «هن ترانه ۱۵ سال دارم» را به خاطر داشته باشند. آن روز که حلقه‌های فیلم با یکدیگر جابه‌جا شدند و نخستین تصویری که بر پرده نقش بست، دختری ۱۵ ساله بود که می‌گفت حامله است. ترانه علیدوستی تازه پا بر پرده سینما گذاشته بود که گفتند سیمرغ را باید در دست‌های کوچکش بگیرد و با خود به خانه برود. ترانه با حس کودکانه و مسوولیت بزرگ به سینما آمده بود و منتقدان حتی با آن اشتباه در اکران که شوک فیلم را از بین برده بود، خوب بلد بودند حلقه‌های فیلم را در ذهن جابه‌جا کنند و در این داور‌ها دخیل نکنند. آن سال هدیه تهرانی با «کاغذ بی‌خط»، لیلا حاتمی با «ایستگاه متروک»، میترا حجار با «فارج سمی» و گلچهره سجادیه با «تگین» نتوانستند حریف این دختر ۱۵ ساله شوند که سال‌های بعد، بارها سینما را تحت تاثیر بازی خود قرار داد.

# ستاره‌ای متولد شد

سینمای ایران ستاره کم ندارد، اما بعضی ستاره‌های آن در زمانی که هنوز ستاره نبودند، در همان گام اول و در همان بزنگاه نخست توانسته‌اند چنان بدرخشند که دیگر پلک‌زدن بر این تلالو، برای اهالی سینما و تماشاگران اش ناممکن به نظر می‌رسد.

## دیار پرویز

۱۳۶۲

پرستویی با یک درخشش خیره‌کننده در دیار عاشقان توانست نامش را در همان ابتدای کار، به‌عنوان یک بازیگر نوظهور مطرح کند.

## جیران کو؟

۱۳۶۳

یک اتفاق، یک حضور و هزار تعجب از این‌همه استعداد. این شرح زندگی حرفه‌ای جیران شریف در سینمای ایران است. شرحی غریب و سال‌ها به فراموشی سپرده‌شده.

## یاسمین، رفیق سارا

۱۳۷۱

از آمریکا بازگشت و با یک درخشش خیره‌کننده در فیلم سارا سیمرغ را شکار کرد. او بعدترها دیگر نتوانست به این موفقیت ممتاز دست پیدا کند.

## راه‌هایی که رفته نشد

۱۳۷۶

با بازی برای داریوش مهرجویی در «درخت گلابی» نظر داوران را جلب خود کرد تا با اولین حضور سینمایی، سیمرغ را نیز روی شانه‌های خود ببیند

## بیتا؛ همسر عباس

آن لهجه بانمک و آن مویه‌های میخکوب‌کننده پشت کرکره آژانس مسافربری که بدل شده بود به پایگاه مظلومیت‌طلبی بچه‌های جنگ، بی‌تا بادران در آژانس شیشه‌ای بی‌همتا بود.

۱۳۷۶

## مصائب مادر بودن

مادر کارگردان باشی و در فیلمش بازی کنی و برای این بازی سپهرغ هم بگیری یعنی نور علی نور، احترام‌سادات حبیبیان اینگونه در سینما درخشید.

۱۳۷۷

## سرایش ترانه

برای رسیدن به چگونگی شکل ظهور این ستاره، فقط باید اسم فیلم را به یاد آورد. ترانه علیدوستی با «من ترانه ۱۵ سال دارم» پدیده جشنواره بود و هنوز هم پدیده بازیگری سینمای کشور است.

۱۳۸۰

## نوبت یک لیلای دیگر

«ما همه خوبیم» مطلع حضورش روی پرده نقره‌ای بود. بعد از دریافت اولین سپهرغ، گزیده‌کار شد تا این هم در کنار آرام و بی‌حاشیه بودنش مزید بر علت کم کاری لیلای زارع شود.

۱۳۸۳

## تولد یک مادر

از آن بازیگرانی که حالا انگار خیلی سال است که مادر فیلم‌های سینمایی کشور است و خیلی سال است بازی خوب او را بر پرده سینما دیده‌ایم. از آن تازه‌واردهایی که دیر آمدند اما ماندگار شدند. منظورمان شیرین یزدان‌بخش است.

۱۳۸۸

چرخه فیلم‌های قاچاق مواد مخدر در زمان پهلوی

# استوار حقگو، زینال بندری و دیگران

علیرضا محمودی

ارتباط صنعت موادمخدر با مقامات رده بالای دولتی در زمان پهلوی فیلم بسازند. آنان قصد داشتند از فضای افشاگرانه به‌وجود آمده استفاده تجاری کنند.

در سال ۵۹ دو فیلم درباره قاچاقچیان مواد مخدر ساخته و عرضه شد که هر دو فیلم به نمایش عمومی درنیامد. هر دو فیلم را دو فیلم‌ساز با سابقه سینمای قبل از انقلاب ساخته بودند. «فیون» ساخته امان منطقی و «مردان خیبت» ساخته جلال مهربان. «فیون» که در آخرین روزهای حیات پارس فیلم و توسط داریوش کوشان تهیه شده بود، درباره یک مامور مبارزه با مواد مخدر است که در سیستان و بلوچستان با قاچاقچیان مبارزه می‌کند. «مردان خیبت» درباره دو قاچاقچی (رضا بیگ ایمان‌پوردی و محمد بانکی) است که در حین حمل مواد مخدر با مبارزان سیاسی با یک روحانی مبارز (اعطاسا زاهد) هم مسیر و متحول شده و با ماموران دولتی به مبارزه می‌پردازند. هر دو این فیلم‌ها با تغییرات فراوان و تغییر نام چندین بار برای دریافت پروانه نمایش عرضه شدند. «فیون» با نام «تب مرگ» و «مردان خیبت» با نام‌های «مرگ آفرینان خیبت» و «راهی به سوی خدا» عرضه شدند که نتوانستند امکان نمایش عمومی پیدا کنند. اما ایده ساخت فیلم درباره قاچاق مواد مخدر در سال‌های سلطنت پهلوی زنده باقی ماند.

در سال ۶۴ ایده فیلم‌سازی درباره قاچاق مواد مخدر با دو فیلم با وارد جریان فیلم‌سازی شد. دو فیلم با دو سرنوشت متفاوت. «گرداب» از تولیدات بنیاد مستضعفان به کارگردانی حسین دولتی. مردی به‌خاطر فقر به اعتیاد و قاچاق کشیده می‌شود. فیلم به نمایش عمومی درنیامد. مشکل اصلی فیلم مخالفت مسوولان وقت بنیاد با نمایش فیلمی با بازیگری سعید کنگرانی بود. اما فیلم دیگر از محصولات گروه تعاونی همراه که حسین زندیاف در مرکز آن قرار داشت، به نمایش درآمد و فروش قابل توجهی داشت. «مرگ سفید» با بازی دو بازیگر تئاتر (هادی اسلامی و اکبر زنجانبور) درباره دو قاچاقچی خرده‌پا که با مافیای قاچاقیان در یک شهر بندری درگیر می‌شوند، نزدیک دو میلیون تومان فروخت. این موفقیت زمینه‌ساز برای ساخت فیلم‌های

با پیروزی انقلاب اسلامی، این اتهام که خانواده سلطنتی در توزیع مواد مخدر نقش داشته، به شکل گسترده‌ای در مطبوعات مطرح می‌شد. نویسندگان، خانواده سلطنتی را به عنوان مهره اصلی مافیای مواد مخدر معرفی می‌کردند. در این نوشته‌ها اشرف پهلوی، خواهر شاه را عامل اصلی گسترش اعتیاد در ایران معرفی می‌کردند. این ایده که اعتیاد نتیجه همکاری استبداد داخلی و استعمار خارجی است، مانند یک افشاگری بزرگ تیترو مجلات و روزنامه‌ها بود. با چنین پشتوانه‌ای، برخی از فیلمسازان سعی کردند با ساخت فیلم‌هایی درباره

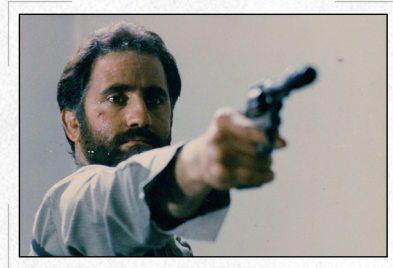




فیلم در این چرخه، در حالی که با موفقیت تجاری «تشکیلات» و «جدال در تاسوکی» در شهرستان‌ها، دفاتر فیلم‌سازی تمایل فراوانی به ادامه تولید در این چرخه را داشتند، اما سازمان سینمایی به روش‌های گوناگون ادامه تولید فیلم‌های قاچاق مواد مخدر را غیر ممکن می‌کرد. سیاست‌های سینمایی آن زمان که مبتنی بر نظریه سینما بدون سرگرمی، موفق شد چرخه فیلم‌های قاچاق مواد مخدر را متوقف کند. گرچه در دهه ۷۰ باره افتادن چرخه فیلم‌های جمشیدهاشم پور، شکل دیگری از این چرخه حیات خود را از سر گرفت.

فیلم‌های چرخه قاچاق مواد مخدر در دهه ۶۰ تریلهایی هستند که صحنه‌های زد و خورد و تعقیب و گریز به تناوب باعث تلفیق آن‌ها با ژانر حادثه‌ای می‌شود. در این فیلم‌ها، روایت پنهانی برای ایجاد صحنه‌های درگیری و تعقیب و گریز است. عبر این فیلم‌ها از چشم مخاطبان با صحنه‌های تعقیب و گریز سنجیده می‌شد تا میزان پرده‌برداری از عمق فساد دولتی در زمان پهلوی، اصل تخصص در این چرخه بر مبنای درگیری مأمور سالم و قاچاقچی غیر وابسته با مقامات فاسد و قاچاقچیان وابسته شکل می‌گیرد. در دو فیلم نمونه یعنی سناتور و تاراج، استوار راستگو (قریبیان) و سروان احمد (بهزاد جوانبخش) مأموران دولتی سالم هستند. آنان با همکاری جوان فریب خورده (امکانیان) و قاچاقچی متحول شده زینال بندری (آریا) با مقامات دولتی وارد مبارزه می‌شوند. در فیلم‌ها دیگر این چرخه همیشه در میان مبارزان و قاچاقچیان افرادی هستند که فطرت پاک دارند و بعد از روبه‌رو شدن با قهرمان پاک یا درگیر شدن با مضرات اعتیاد زمینه بروز تحول و همراهی آنان با گروه آدم‌های پاک فراهم می‌شود. این شخصیت‌ها در این الگو، قاراست وجه روشنگری فیلم را تقویت و پیام فیلم که اغلب انسان‌ها ذاتاً پاک هستند را به بیننده منتقل کنند. در الگوی روایی فیلم‌های چرخه قاچاق مواد مخدر صحنه‌های تکرار شونده عبارتند از: صحنه‌های کشف مواد مخدر در مکان‌های عجیب و غریب، صحنه‌های درآوردن گلوله از بن، مواجهه‌های کلامی بین قهرمان و دشمنان و بیان شعارهای ضد اعتیاد، خنده‌های عصبی با تاکید دوباره برای قاچاقچیان وابسته، گریه و تنبه قربانیان، صحنه بسته‌بندی هروئین و صحنه‌های رودرویی نهایی.

«تاراج» به عنوان موفق‌ترین فیلم این چرخه با فیلمنامه سعید مطلبی بر اساس داستان علیرضا داودنژاد و با تبحر ایرج قادری در کارگردانی و با تکیه بر موسیقی موثر ناصر چشم‌آذر توانست مهم‌ترین تیپ سینمایی دهه ۶۰ را عرضه کند. در میان عامه مردم زینال بندری به جایگاه یک شخصیت نمونه از قاچاقچیان مواد مخدر مورد تاکید قرار گرفت. موفقیت تجاری «تاراج» سینمای دهه ۶۰ را به ادامه حیات تجاری امیدوار کرد. گرچه با حضور جمشیدهاشم پور در فیلم‌های مشابه و ادامه کار ایرج قادری مخالفت شد، اما این فیلم توانست انرژی مترکمی را برای ادامه سینمای حادثه‌ای ایران فراهم کند. فیلم‌هایی که در دهه ۷۰ با بازی جمشیدهاشم پور رونق فیلم‌سازی را به‌وجود آورد.



دیگر این چرخه هموار کرد.

در سال ۶۳ فیلم «سناتور» درباره مبارزه یک استوار با مافیای دولتی قاچاق مواد مخدر، رکورد فروش را جابه‌جا کرد. سازندگان فیلم که به موفقیت تجاری ساخته خود اطمینان نداشتند، پیش از اکران حقوق آن را فروختند. بر خلاف پیش‌بینی آنان، سناتور فقط در تهران نزدیک هفت میلیون تومان فروخت. موفقیت «سناتور» باعث شد که فیلمسازان دیگر یا رافراتر بگذارند. اگر در «سناتور» یک نماینده مجلس سنا قاچاقچی اصلی بود، در فیلم «تاراج» اشرف پهلوی با گوشه و کنایه در سکانس پایانی به عنوان ریشه اصلی قاچاق به نمایش درآمد. «تاراج» با داستان همراهی یک مأمور و قاچاقچی در راه ریشه‌کنی بالای اعتیاد، رکورد فروش «سناتور» را با فاصله زیادی پشت سر گذاشت.

تاسیس بنیاد سینمایی فارابی و ممانعت از افزایش ساخت فیلم‌های مشابه، به‌رغم تمایل برای ساخت فیلم در این چرخه باعث شد که فیلم‌های درباره قاچاقین دچار تغییراتی در الگوها شود. «طائل» ساخته محمد عقیلی در سال ۶۴ با فروش بیش از چهار میلیون تومان درباره مبارزات یک مأمور در سیستان و بلوچستان با قاچاقچیان است. دیگر خبری از خانواده سلطنتی و افشاگری‌های سیاسی نیست. در سال ۶۶ سه فیلم درباره قاچاقچیان به نمایش درمی‌آید اما دیگر خبری از خانواده سلطنتی نیست. عبور از هیجانات اولیه سال‌های پس از پیروزی انقلاب، فیلمسازان را دنبال داستان‌ها دیگری برای تولید فیلم‌های مشابه می‌برد.

«تشکیلات» ساخته منوچهر مصبری، «جدال در تاسوکی» ساخته فرامرز قریبیان، و «سازمان ۴» ساخته حسن جوانبخش به مبارزه با قاچاق مواد مخدر می‌پردازند. در این فیلم‌ها قاچاق مواد مخدر در یک یک بهانه داستانی (مک‌گافین) حضور دارد. جذابیت صحنه‌های اکشن و تعقیب و گریز در این فیلم‌ها بیشترین عامل موفقیت فیلم‌ها هستند. تا قاچاق مواد مخدر.

هر سه این فیلم‌ها با درجه کیفی نازل (ج) روبه‌رو شدند. این درجه‌بندی یعنی اکران محدود و فشار برای دست‌کشیدن فیلمسازان برای ساخت

مرور چهل سال سینمای ایران با غلامرضا موسوی

# بارورشدن نهال تاسیس سینمای ویژه مطبوعات

✎ نسرين بختیاری

سینمای ایران پس از انقلاب، کودکی ست که تا به مرحله بلوغ و چهل سالگی خود برسد، با شیب و نشیب بسیاری روبه‌رو بوده، اما برآیند بیشتر فیلمسازان و تهیه‌کنندگان نسبت به روند طی شده، مثبت است. سید غلامرضا موسوی عضو شورای عالی تهیه‌کنندگان سینما نیز از جمله افرادی ست که نگاه مثبتی به سینما پس از گذشت چهل سال از انقلاب دارد و معتقد است که ساخت فیلم بد پس از انقلاب موضوع مهمی ست که نباید از خاطر هیچکدام از ما برود. این تهیه‌کننده در بخش دیگری از صحبت‌های خود به خاطر آتش از جشنواره کن و پیشنهاد تأسیس سینمایی برای اهالی مطبوعات برای اولین بار اشاره کرد و آن را یکی از بهترین خاطرات خود از جشنواره فیلم فجر خواند. گفت‌وگو با او پیش روی شماست.

## چه ارزیابی از وضعیت سینمای ایران با گذشت چهل سال از انقلاب دارید؟

به‌طور طبیعی اگر بخواهیم وضعیت کنونی سینمای ایران را با پیش از انقلاب مقایسه کنیم، در حال حاضر سینما در بالاترین کیفیت و کمیت تولیدی خود قرار دارد. ما در دنیا با سینمایی روبه‌رو هستیم که کاملاً شناخته شده‌است و در داخل، تماشاگران با خاطر مطمئن به دیدن این فیلم‌ها می‌روند و با سینمای رشد یافته‌ای مواجه هستیم که به لحاظ کیفی نیز وضعیت مناسبی دارد.

## سینمای ما از چه جنبه‌هایی وضعیت مناسبی دارد؟

قبل از انقلاب، تعداد اندکی فیلم خوب داشتیم، اما به گمانم پس از انقلاب بیش از ۵۰ یا ۶۰ درصد فیلم‌های تولیدشده متعلق به سینمای استاندارد است؛ یعنی از کیفیت و کمیت خوبی برخوردارند. در حالی که در شرایط فعلی فیلم‌های کم‌ارزش اتفاقی و کمتر ساخته می‌شود، اما قبل از انقلاب فیلم‌های خوب اتفاقی و به‌ندرت ساخته می‌شد.

از نظر کارگردانی بدون اغراق ۱۵۰ کارگردان توانا داریم؛ یعنی می‌توانیم روی آنان به عنوان فیلمساز خوب حساب کنیم، در حال حاضر فیلمبردارانی داریم که کیفیت کار تعداد زیادی از آنان مثل آقایان کلاری، جعفریان، منصوروی و اصلانی در دنیا ارزشمند است و کار آن‌ها در حد فیلمبرداران جهانی ست. بخش صداپردازی و صدای سر صحنه قبل از انقلاب، کمتر وجود خارجی داشت، اما بعد





من مسوولیت صنفی داشتم و وقتی به جشنواره کن رفتم، متوجه حرمت و جایگاه مطبوعات شدم و به آقایان بهشتی و انوار پیشنهاد ایجاد سینمای مطبوعات را دادم. این پیشنهاد از طرف مسوولان وقت جشنواره مثل جمال امید و آقایان بهشتی و انوار حمایت شد و برای اولین بار سینمای مطبوعات به وجود آمد.

از بین می‌رود. ما در حال حاضر به شدت به یک کاخ جشنواره و جای ثابت خود احتیاج داریم. تهیه‌کنندگان سینما با نمایش فیلم‌شان در جایی مانند برج میلاد به شدت مخالفند، چون کیفیت صدا و تصویر آن بد است. به‌طور طبیعی از این اقدام دبیر جشنواره که به سال‌های سینمایی مثل ملت برای نمایش فیلم برای دوستان مطبوعاتی رجوع کردند، استقبال می‌کنیم.

### چه آینده‌ای برای سینمای ایران ترسیم می‌کنید؟

با آمدن جوانان صاحب‌فکر در بخش‌های گوناگون تهیه‌کنندگی، کارگردانی، فیلمنامه‌نویسی و بازیگری سینمای ایران باید به بازارهای جهانی برسد و خود را به آن‌ها تحمیل کند. قطعاً تماشاگر بعد از مدتی به فیلم ایرانی اعتماد می‌کند و آن را می‌بیند.

### بهترین فیلم‌هایی که در جشنواره دیدید، چیست؟

سلیقه‌ام به سلیقه عموم مردم نزدیک است و نام بردن از ۵۰ یا ۷۰ فیلم در جشنواره یا خارج از آن به دلیل نداشتن فهرست کار سختی است.

### چه خاطراتی از جشنواره فیلم فجر دارید؟

به یاد می‌آورم در سال‌های اول جشنواره به همراه آقای جبرانی فیلم می‌دیدیم و دنبال کشف‌های جدیدی از فیلمسازان بودیم و دوست داشتیم فیلمسازان جوان را به دوستان مطبوعاتی خود معرفی کنیم که بروند و آن فیلم‌ها را ببینند. فیلم «دیده‌بان» ابراهیم حاتمی‌کیا را به همراه آقای جبرانی دیدیم و توانستیم به همکاران خود معرفی کنیم و بگوییم که آینده خوب و درخشانی دارد.

من مسوولیت صنفی داشتم و وقتی به جشنواره کن رفته، متوجه حرمت و جایگاه مطبوعات شدم و به آقایان بهشتی و انوار پیشنهاد ایجاد سینمای مطبوعات را دادم. این پیشنهاد از طرف مسوولان وقت جشنواره مثل جمال امید و آقایان بهشتی و انوار حمایت شد و برای اولین بار سینمای مطبوعات به وجود آمد. در ابتدا سینما شهر قصه - که بعدها اتش گرفت و به جای آن سینما آزادی فعلی ساخته شد - سالن ویژه اهالی مطبوعات شد. من برای اینکه همکاران مطبوعاتی با فضای سینما آشنا شوند، قبل از هر گفت‌وگوی مطبوعاتی یک سخنران گذاشتم و یکی از بچه‌های سینما مانند آقایان داوود نژاد و افخمی می‌آمدند و درباره مسائل سینمای ایران چند دقیقه‌ای صحبت می‌کردند پس از آن برای اولین بار ما جلسات مطبوعاتی را برگزار کردیم و من به عنوان رئیس مجمع تولید و توزیع‌کنندگان فیلم با توجه به اینکه باید مجری به دو حوزه سینما و مطبوعات اشراف داشته باشم، رسول صدرعاملی را - به عنوان تهیه‌کننده و کارگردان و عضو جامعه مطبوعات - پیشنهاد دادم. شب‌های اول خیلی در میان مسوولان دولتی نگرانی وجود داشت، اما من هیچ نگرانی نداشتم. در شکل اولیه تمام سوالات را کتبی می‌گرفتم و بعد از چند شب برگزاری و انعکاس خوب، جلسات مطبوعاتی و سینمای مطبوعات پای ثابت جشنواره‌های فجر شد.

از انقلاب به تدریج صاحب صدای سرصحنه شدیم و صدابرداران و صداگذاران درجه یکی داریم که بعضی مانند آقای دلپاک حتی عضو آکادمی اسکار هستند. همچنین از لحاظ بازیگری و طراحی صحنه نیز کیفیت کارها افزایش یافته است. قبل از انقلاب منشی صحنه نداشتم، اما الان داریم. در زمینه گریم استادانی مثل عبدال... اسکندری و جلال‌الدین معبریان داریم که جزو مفاخر سینمای ایران هستند. از نظر جلوه‌های ویژه تصویری و میدانی پیشرفت خوبی داشتیم و جنگ باعث شد که در این زمینه به جایگاه خوبی برسیم. به‌طور کلی در همه مراحل پیشرفت کردیم و افرادی داریم که کارشان به آثار جهانی پهلو می‌زند و نزدیک است. واقعیت این است سینمای ایران در قله‌ای ایستاده که حضور فیلم‌هایش در جشنواره‌های جهانی بسیار اهمیت دارد. ما همیشه به دنبال حضور در جشنواره‌ها بودیم، اما امروزه باید به سمت بازارهای جهانی حرکت کنیم و با تولیدات مشترک پیش برویم و برنامه‌ریزی داشته باشیم. ما سینمای بسیار خوب و پاکیزه‌ای داریم، اما در بخش بین‌الملل به دلیل نداشتن برنامه‌ریزی دقیق چندان موفق نبودیم. به‌طور طبیعی این به معنی ایراد نداشتن سینمای ایران نیست و فضای کار همیشه با مشکلات همراه است، اما باید مشکلات را حل کرد تا سینمای ایران رشد کند.

### فکر می‌کنید در حال حاضر سینمای ایران از چه

#### مشکلاتی رنج می‌برد؟

همچنان معتقدم در بخش فیلمنامه بیش از بخش‌های دیگر با مشکل روبه‌رو هستیم. ما فیلم‌هایی تولید کردیم و کارگردانی داریم که در سطح جهانی هستند، اما وقتی علت موفق نشدن آن‌ها را بررسی کنیم، به فیلمنامه می‌رسیم. اگر با وسواسی که در کارگردانی و انتخاب صحنه و تصویر دارند، فیلمنامه می‌نوشتند، سریع‌تر در دنیا به موفقیت می‌رسیدیم. فیلمسازان ما تنها آقای فرهادی، خانم بنی‌اعتماد و مرحوم کیارستمی نیستند بلکه آقایان مجیدی و درویش... هستند که در ابعاد جهانی کار کردند. بعضی نگران فیلمنامه‌های این فیلمسازان هستند و اگر فیلمنامه‌ها مشکلات حاضر را نداشت، با توجه به تیم حرفه‌ای که با آنان کار می‌کنند، می‌توانستیم بیشتر در بازار جهانی بدرخشیم.

### 36 دوره از جشنواره فیلم فجر می‌گذرد، چه محاسن

#### یا معایبی را در آن می‌بینید؟

جشنواره سیاست بلند مدت و یک شورای سیاست‌گذاری دائمی ندارد و هر چند وقت یک دبیر جدید را تجربه می‌کند. جشنواره‌ها باید بلندمدت فکر کنند؛ یعنی یک شورای سیاست‌گذاری داشته باشد که نباید از این جشنواره به جشنواره دیگر یک بخش را اضافه کند یا بردارد. اگر شورای دائمی داشته باشیم که سیاست‌گذاری کند، اتفاقاتی که در جشنواره می‌افتد و هر بار همه را دچار معضل می‌کند،

# بای سیکل‌ران را دوست داشتم



حمید رسایی  
نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی

از سنین پایین به سینما علاقه داشتم اما این علاقه در دوره جوانی جهت پیدا کرد تا در حوزه تئاتر شروع به پیگیری کردم. در زمانی هم که جبهه بودیم از فرصت‌های خالی استفاده می‌کردیم و به همراه دوستان دیگر تئاتر تولید می‌کردیم. کم‌کم به فیلم‌های خاص علاقه‌مند شدم و فیلم‌های کارگردانان خاص را می‌دیدیم و نقد می‌کردیم. در آن زمان فیلم‌های محسن مخملباف نظیر بای سیکل‌ران روی بورس بود و پیام داشت، بر خلاف امروز او که تغییرات زیادی کرده‌است.

## فیلم‌هایی که برای من اهمیت داشت

به‌خاطر ندانم اولین فیلمی که در جشنواره فجر دیدم چه فیلمی بوده‌است اما فیلم‌هایی با مضامین دفاع مقدسی از همان ابتدا برای من بسیار اهمیت داشت. فیلم‌هایی مثل «دیده‌بان»، «خراجی‌ها» و «من مادر هستم» را می‌پسندیدم. البته «من مادر هستم» به کارگردانی آقای جیرانی در شورای اکران رد شد و با صحبت‌هایی که در دفاع از آن کردم و اصلاحاتی که اعمال شد فیلم آقای جیرانی روی پرده به نمایش در آمد. فیلم «شیار ۱۴۳» خانم نرگس آبیار

هم فیلم خوبی بود.

## بهترین فرصت برای انتقال مفاهیم

بعدها با رفتن به حوزه علمیه قم پیگیری جدی مثل قبل نداشتم اگرچه سینما می‌رفتم اما نمی‌توانستم مثل گذشته برای نقد و بررسی هم زمان صرف‌کنم. حدود پنج سال عضو شورای اکران بودم به عنوان یک شخصیت حقوقی یعنی به عنوان طلبه‌ای که باید عضو شورای اکران باشد وارد این گروه شدم و برای همین خیلی از فیلم‌های سینما قبل از اکران را در شورا می‌دیدم و گاهی نقد هم می‌کردیم. سینما فرصت بسیار خوبی برای انتقال مفاهیم مختلف است.

## نیاز جشنواره به همان نگاه سابق

جایگاه سینمای ایران پس از انقلاب بسیار متفاوت از سینمای قبل از انقلاب است، اما سینمای امروز نسبت به اهداف انقلاب، مبانی و آرمان‌های انقلاب هم فاصله دارد و اصلاً آن چیزی نیست که توقع داریم چون نسبت به موضوعاتی یا ورود نمی‌کند یا در حوزه‌های دیگر ورود نداشته شده‌ای دارد. این مشکل هم به جهت‌گیری غلط جشنواره فجر در بعضی دوره‌ها برمی‌گردد، جشنواره فجر بر خلاف اسم و ایده‌ای که براساس آن شکل گرفت دیگر توجه کمتری به دلایلی که به‌خاطر آن شکل گرفت دارد. در جشنواره فجر باید همان نگاه سابق حاکم شود که هنر را بدون انقلاب و آرمان‌های آن نمی‌بیند.





عجب حفاظ تاریخی در بهمنی هستیم این عکس‌های زرد شده، این خاطرات کهنه روزهای  
 دور! نشان‌هایی از دیروز که امروز هم تازه‌اند و تازه نیز فزاینده‌اند.  
 این صغیر یادگارهای است برای عکس‌ها و حرف‌هایی که به دل و ذهنی ثبت شده است. نشان‌هایی  
 که هستند تا به همیشه...

چقدر حرمت دارد این قاب. نگاه کنید به روف سپید روی سر پیرمرد و دل تان را ییواز دهید تا هزار بار روی خاطره و زندگی  
 و روزگار، نگاه کنید به آن استکان چای کربابایت که خودش خرقیتی است در معاشرت و حرف را گفتن و در دراز  
 گفتن. اصلاح‌خیزه شوید به آن شعوانی روی میز که زمستان هم آنقدر معرفت دارد که کل کند و دلی را زنده نگه دارد.  
 راستی نگاه کنید به آن ترمه و لاله که چقدر زیبایی را بچشم کرده‌اند روی بیوی دوربین؟



باید عاشق سینما باشی تا بفهمی که این جمله چقدر  
 صعب‌الاست و ناب، کارگردانی که می‌گوید هیچ  
 فیلمی در جشنواره ندیده یعنی داشته در تئوری کاملاً  
 سینمایی روزگار می‌گذرانده است. فیلم ندیده احتمال  
 سینمایی در جشنواره یعنی اینکه مشغول کار بوده است.  
 فیلمنامه می‌نوشتند، کارگردانی می‌کردند و خلاصه یک  
 فیلم خوب به تاریخ سینمای ایران مملکت اضافه  
 می‌کردند.  
 مصداق این ادعا همان روتیتری است که در  
 ادامه نام خسرو سینمایی آمده است! برنده جایزه  
 بهترین کارگردانی، حواستار حساس؟ او بهترین  
 کارگردان جشنواره بوده و توانسته فیلمی در جشنواره  
 ببیند. این یعنی اینکه عاشق سینما بود، طریقت  
 پیچیده‌ای است.

عجب جلادویی دارد سینما! آدم‌ها رفته‌اند و فیلم‌ها مانده‌اند. به  
 همین راحتی و به همین دشواری. حالا همین عکس‌های سیاه و سفید  
 و رنگ دور رفته شده است بجهت یک احوال‌پرسی با مددی که دیگر  
 نیست اما فیلم‌هایش مانده‌اند. بد... صمدی ناخوار از میان ما رفت  
 و جلادوی سینما کوبی می‌خواهد بیشتر خودش را به چشم ما نشان دهد.  
 او نیست، هوایش عوض شده اما فیلم‌ش، اصلاً فیلم‌هایش هستند.

یک کارگردان، یک بازیگر و یک آهنگساز؛ هر ۳ نفر اما مهر ابطال بر زندگی دنیوی زدن و دیگر با ما نیستند و با سینمایی که به اثر امشان سیمیرغ پیشکش کرده بود. این چند صفحه ادای احترامی است به ایشان که دیگر نیستند.

سرمقاله خبر گزارش پرونده خانه درنگ فلاش بک گزارش تصویری

## باران نیلی

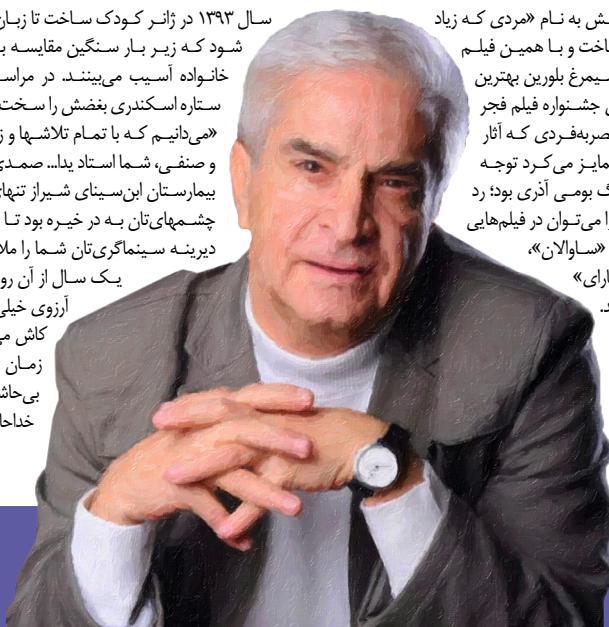
می‌گویند بیماران چشم انتظار دیدارند؛ یکی باید و کلامی حرف جابه‌جا شود، اگر هم کف باشند که چه بهتر. کلمات سرازیر می‌شوند و جمله‌ها سرگردان نمی‌مانند بین معنا و مقصود. بیماری که کیدش را نشانه گرفت، سه ماهی مهمان آمدند تعدادشان انگشت‌شمار شد. همین بود که بعد از مرگش داغ دل خیلی‌ها تازه شد که کاش دیداری تازه کرده بودند. خیلی‌ها در وصف وداع غم‌انگیز و غریبانه او با اشاره به سریال معروفش «شوق پرواز» نوشتند: «مرد آرام سینما چشم‌های خسته از انتظارش را به شوق پرواز بست و پرکشید به آسمان، راست می‌گفتند. «شوق پرواز» نه تنها یکی از بهترین آثار او بود که به رسانه ملی آبرو داد، وصف حال خودش هم بود. فعالیت سینمایی‌اش را به عنوان دستیار کارگردان سال ۱۳۵۱ با فیلم «تخت‌خواب سه نفره» ساخته نصرت کریمی شروع کرد و حوالی سال‌های انقلاب تا سال ۱۳۶۴ با چند فیلم دیگر هم در نقش دستیار کارگردان همکاری کرد. سال

فیلم لقب یکی از بهترین آثارش را به خود گرفت. بعد از آن باز هم چند کمدی دیگر مانند «آپارتمان شماره ۱۲»، «دو نفر و نصفی» و «معجزه خنده» را راهی پرده سینما کرد و قهقهه‌ساز شد. «آپارتمان شماره ۱۲» اما به خنده خضار در سالن‌های سینما محدود نشد و سیمیرغ بلورین بهترین فیلم و فیلمنامه را هم از جشنواره فجر دریافت کرد. با این فیلم بود که نامش به عنوان کارگردانی کاربلد روی زبان‌ها افتاد و همه چشم انتظار ساخته‌های دیگرش شدند. حوالی سال ۱۳۸۶ اولین تجربه تلویزیونی‌اش را به سفارش بنیاد شهید و امور ایثارگران برای شبکه اول سینما کلید زد که اسمش شد «شوق پرواز». سال ۹۲ یکبار دیگر سراغ سریال رفت و «هفت‌سین» را برای عید نوروز ساخت. دیگر همه می‌دانستند سلیقه هنری او تماشایی‌ست. این بود که «هفت سین» هم برگ برنده دیگری شد در کارنامه هنرمند آرامی که هیچ حاشیه سیاسی نداشت و سرش حساسی گرم کار خودش بود. «پدر آن دیگری» آخرین فیلمی بود که صمدی

برای یداً... صمدی، مرد آرام سینمای پرهیاهو

# به شوق پرواز پرکشید

سال ۱۳۹۳ در ژانر کودک ساخت تا زبان گویای کودکانی شود که زیر بار سنگین مقایسه با سایر بچه‌های خانواده آسیب می‌بینند. در مراسم خداحافظی‌اش ستاره اسکندری بغضش را سخت قورت داد و گفت: «می‌دانیم که با تمام تلاشها و زحمات فیلمسازی و نصفی، شما استاد پدلا... صمدی، در روزهای آخر بیمارستان این سینیای شیراز تنهای تنها بودید. آنقدر چشمهای تان به در خیره بود تا دوستی از روزهای دیرینه سینماگری تان شما را ملاقات کند.» حالا یک سال از آن روز می‌گذرد و تنها آرزوی خیلی‌ها این است که کاش می‌شد سوار ماشین زمان شد و با آن مرد بی‌حاشیه درست‌درمان خداحافظی کرد.



۱۳۶۴ اولین فیلمش به نام «مردی که زیاد می‌دانست» را ساخت و با همین فیلم هم برنده جایزه سیمیرغ بلورین بهترین کارگردانی سومین جشنواره فیلم فجر شد. ویژگی منحصر به فردی که آثار او را از دیگران متمایز می‌کرد توجه ویژه‌اش به فرهنگ بومی آتری بوده رد پای این توجه را می‌توان در فیلم‌هایی مانند «توبوس»، «ساوالان»، «دمرل» و «سارای» به خوبی دید. سال ۱۳۶۴، «توبوس» را با ژانر کمدی ساخت و این



شاهد بودم با اطرافیان خود با مهربانی صحبت می‌کرد و درجه و جایگاه آدم‌ها هرگز او را مجبور به انجام کارهای ویژه و خاص نمی‌کرد و برای همه به‌طور یکسان احترام قائل بود.

شماره پنجم، جمعه ۵ بهمن ۱۳۹۷

سروش

## سینماگر مردم‌دار



ی‌دا... صدمی یک شخصیت فرهنگی و سینمایی داشت و یک شخصیت فوق‌العاده مهربان و دلسوز در زندگی عادی و روزمره. با توجه به تجربه همکاری که با ایشان داشتیم، او را انسانی بسیار شریف، کارآمد و محترم یافتیم، او از جمله سینماگرانی بود که با توانایی که داشت، متأسفانه لای چرخ دنده‌های پیچیده سینما گیر افتاده بود. شاهد بودم با اطرافیان خود با مهربانی صحبت می‌کرد و درجه و جایگاه آدم‌ها هرگز او را مجبور به انجام کارهای ویژه و خاص نمی‌کرد و برای همه به‌طور یکسان احترام قائل بود. زمانی که مسوولیت خانه سینما را به عهده گرفت، به شدت به سینماگرانی که شرایط بدی داشتند و دچار بیماری‌های خاص شدند و در عین حال در ارتباط با نهادهای حمایتی ضعیف بودند کمک‌های شایانی کرد و حتی خودش به صورت شخصی به بعضی از سینماگران کمک کرد. او انسان ویژه‌ای بود و با جوانان رفتار خوشایندی داشت، چون خیلی سعی می‌کرد جوانان را درک کند و با آن‌ها هم‌قدم باشد و طبیعی‌ست که این در راهنمایی روبه‌روی دوربین هم خیلی مؤثر بود. به دلیل ترک زبان بودن، شور غریبی در وجودش نهفته بود و این قضیه در فیلمسازی، زندگی و تحلیل نگاه اطرافش پدیدار می‌شد. همیشه در مورد آقای صدمی به این موضوع اشاره می‌کنیم که افسوس!... بستر وسیعی برای او فراهم نشد، اما با چنگ و دندان سعی می‌کرد کاری را انجام دهد. شاید به این دلیل که آدم شفاف و روشنی بود و به کارش عشق می‌ورزید و سلامت و شفافیت وجودش را در کارهای خود جاری می‌کرد. متأسفم که عضو خوب و برجسته و سلامت سینما را از دست دادیم و خیلی زود بود، چون می‌دانم ایده‌های بسیاری داشت که متأسفانه نتوانست آن‌ها را به سرانجام برساند.

رؤیا تیموریان  
بازیگر

## همراه دردمندان



من خاطرات بسیار خوبی از ی‌دا... صدمی دارم. او هر روز صبح وقتی سرکار می‌آمد و شروع به صحبت می‌کرد، شعر مولانا را می‌خواند که «باز کن دکان که وقت عاشقیست». او یک عاشق و عارف به تمام معنا بود و ما لحظه‌های خیلی خوبی را در سریال «شوق پرواز» با او تجربه کردیم و خیلی دقیق و به‌دور از هرگونه ریا بود. چنین صفتی برای ساخت کاری درباره زندگی یک خلبان شهید اهمیت داشت و می‌گفت نمی‌خواهم یک شهید مادرزاد بسازم و خلق کنم؛ یعنی بالاخره همه آدم‌ها مراحل و فرود و فرازهایی را پشت سر می‌گذارند و از جاهایی عبور می‌کنند تا به معنویت، عاشقی و بر فراز ابرها برسند که شجاعت و تهور زیادی از خود بروز دهند. آقای صدمی ضمن عشق فراوان به کار و خانواده، همراه با دردمندان بود و خیلی از اوقات افراد از راه‌های دور با او برای کارهای خیریه تماس می‌گرفتند و معمولاً اگر کار خاصی نداشت و سر فیلمبرداری نبود، راهی مسیرهای طولانی می‌شد و موجب شادی دل‌ها بود. در زمینه کار با جوانان هم بسیار انسان به‌روزی بود؛ یعنی به‌راحتی با سنین مختلف ارتباط برقرار می‌کرد و فاصله بین نسل‌ها برای او اهمیتی نداشت و همه بچه‌ها از کار کردن با او لذت می‌بردند. صدمی مردی بذلگه، شوخ، همراه و رفیق بود و خیلی جایش خالی است و برای خانواده‌اش صبر و شکیبایی آرزو می‌کنم.

افسانه بایگان  
بازیگر

به یاد مرد نتهای ماندگار

# غم‌انگیزترین کلام

صدف فاطمی

چشم‌آذر پای آن‌ها خورده بود. بعضی‌ها پرت شدند به سال ۱۳۶۳ و فیلم سینمایی «تاراج»؛ رفتند سر خط که اولین موسیقی متن فیلمی که ناصر چشم‌آذر ساخته بود را بشنوند و جلو بیایند. برسد به «آجاره‌نشین‌ها»، «چشم شیطان» و «بلندی‌های صفر». ساخته‌های تهمینه میلانی مانند «آتش‌بس»، «دیگه چه خبر»، «سوپر استار»، «اکادو» و «تسویه حساب» را مرور کنند و دل بسپارند به موسیقی ناب چشم‌آذر که در میانه‌های این نمایش‌ها جا خوش کرده بود. بیایند سراغ «قارچ سمی» ساخته رسول ملاقلی‌پور و برسد به «شمعی در باد». با «گشت ارشاد» قهقهه سر بدهند و با تماشای فیلم «نبات» آخرین موسیقی متن ساخته شده‌ی چشم‌آذر را بشنوند و بازی نتهایش را گوشه‌ای در ذهن‌شان حک کنند؛ که بماند برای همیشه. خبر خداحافظی‌اش با دنیا که رسید، کارنامه پُر و پیمانش ردیف شد. ساخت آهنگ برای بسیاری از خوانندگان سرشناس ایرانی به همراه ۱۰ آلبوم موسیقی، ۷۵ فیلم سینمایی و یک مجموعه تلویزیونی حاصل عمری بود که از ۱۳ سالگی با نواختن آکاردئون به موسیقی گره‌خورده بود. سال ۱۳۶۸ برای فیلم «هامون» نامزد دریافت سیمرغ بلورین بهترین موسیقی متن فیلم هشتمین دور جشنواره فیلم فجر شد و سال ۱۳۷۲ برای فیلم‌های «بلندی‌های صفر» به کارگردانی حسینعلی لیلاستانی و «چشم سلطان» به کارگردانی حسن هدایت، سیمرغ بلورین بهترین موسیقی متن جشنواره دوازدهم را با خود به خانه برد. سال ۱۳۷۴ با «خواهران غریب» نامزد دریافت سیمرغ بلورین بهترین موسیقی متن چهاردهمین دوره جشنواره فیلم فجر شد و سال ۱۳۸۰ با موسیقی متن فیلم «قارچ سمی» به کارگردانی رسول ملاقلی‌پور به میدان آمد و سیمرغ بلورین بهترین موسیقی متن بیستمین دوره جشنواره فیلم فجر را از آن خود کرد. در نهایت سال ۱۳۸۳ برای موسیقی متن فیلم «شمعی در باد» نامزد دریافت تندیس زرین بهترین موسیقی متن هشتمین دوره جشن خانه سینما شد. خبر خداحافظی ناصر چشم‌آذر با نتهای پایانی روزگار که رسید، همه یاد آن جمله طلایی‌اش در برنامه خندوانه افتادند: آن جایی که گفت «خداحافظ غم‌انگیزترین کلام است» و چه تلخ بود صبح جمعه چهاردهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۷ که خودش شد تجسم عینی همین کلام غم‌انگیز.

خبر خداحافظی‌اش با دار فانی که رسید، نوای موسیقی در شهر پیچید. همه‌جا پُر شد از ترانه‌هایی که او ساخته بود. مردم پریشان شده بودند بین نتهای ماندگاری که هیچ کم‌از مجززه نداشت. یکی ساخته‌هایش برای خواننده‌های پاپ را به رخ دنیا می‌کشید و دیگری از نمایش‌های ایرانی می‌گفت که با موسیقی ناصر چشم‌آذر طعم دیگری گرفته بودند. در خیابان‌های شهر ترنم «باران عشق» می‌پیچید و خیلی‌ها دوباره به تماشای «هامون» نشستند تا آن سکانس‌های ماندگار را با آهنگسازی ناصر چشم‌آذر یک‌بار دیگر مرور کنند. می‌خواستند همراه خسرو شکیبایی فریاد بزنند که این مرد حق ماست، سهم ماست و نباید در سن ۶۷ سالگی ما را تنها می‌گذاشت. بعضی‌ها به «هامون» اکتفا نکردند و سراغ بقیه کارهای شاخص داریوش مهرجویی مانند «بانو»، «میکس»، «آجاره‌نشین‌ها»، «شیرک» و «دختردایی گمشده» رفتند تا جای خالی هنرمند محبوب را با مشت‌های از خاطرات قدیمی پُر کنند و موسیقی او را روی بعضی از ماندگارترین آثار سینمایی از نو بشنوند. باز نوبت به «خواهران غریب» رسید و «قصه‌های مجید» و موسیقی نابی که امضای ناصر





چشم‌آذر انسان بسیار حساسی بود و آنچه از توانایی‌های افراد در ذهنش شکل می‌گرفت، با پایبندی و اعتقاد کامل اجرا می‌کرد. او وقتی کارهای موسیقیدانی را می‌پسندید یا به زمینه‌های علمی‌کارش آگاه بود، آن را سرمشق قرار می‌داد.

## به کردار و گفتار یکی بود

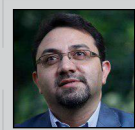
من با آقای چشم‌آذر از اوایل دهه چهل در مسابقاتی که در بین مدارس برگزار می‌شد و من داور آن مسابقات بودم، آشنایی پیدا کردم. گمان می‌کنم چشم‌آذر کلاس هشتم یا نهم بود و در آن زمان کارش را بسیار خوب انجام داد و اول شد. البته خانواده آقای چشم‌آذر از جمله پدرش از موزیسین‌های برجسته در حوزه موسیقی نواحی بود و از طریق بردارش نیز کمی با او آشنا شده بودم. او استعداد بسیار خوبی داشت و هوشمندانه موسیقی را با استفاده از کتاب‌ها و آموزه‌های گوناگون فرا گرفته بود و پس از آن نزد اساتیدی هم دوره‌هایی گذراند. به‌نظرم در حوزه موسیقی بسیار مستعد بود و کارهای درخشانی از خود به یادگار گذاشت. در بیش از چهل سال فعالیت هنری و موسیقایی آثار خوبی را ارائه کرد که هم دل جامعه را به‌دست آورده بود و هم در عین حال ملاحظات علمی و موسیقایی به‌ویژه در حوزه فیلم داشت. معتمد چشم‌آذر یکی از مستعدترین کسانی بود که در حوزه موسیقی کار می‌کرد و منتهای اینکه دانشی به‌دست آورد، خلاقیت‌های بسیار گسترده و کیفی خوبی هم داشت و توانسته بود در این حوزه‌ها بدرخشد و کارهای خوبی را عرضه کند. چشم‌آذر انسان بسیار حساسی بود و آنچه از توانایی‌های افراد در ذهنش شکل می‌گرفت، با پایبندی و اعتقاد کامل اجرا می‌کرد. او وقتی کارهای موسیقیدانی را می‌پسندید یا به زمینه‌های علمی‌کارش آگاه بود، آن را سرمشق قرار می‌داد و در زمینه‌هایی که احیاناً با سستی یا ناتوانی مواجه می‌شد، نظر خودش را بیان می‌کرد و گاهی این موجب دلگیری می‌شد. او نظرات خود را صریح و رک بیان می‌کرد و کسی نبود که رفتارش با گفتارش در تضاد باشد. روحشان شاد و فکر می‌کنم آثاری که از او به یادگار مانده، جان‌مایه‌های ارزشمند و ماندگاری در هنر دارد.



محمد سریر  
موسیقی‌دان

## غلبه قریحه بر تکنیک

ناصر چشم‌آذر هنرمندی بود که طی شش دهه فعالیت خود همیشه سیر صعودی و شخصیتی چند وجهی داشت، چون نوازنده آکاردئون، پیانیست و تنظیم‌کننده آثار بود و در حوزه موسیقی فیلم و موسیقی بی‌کلام و همچنین موسیقی با کلام فعالیت می‌کرد. او در تمام این وجوه کاری تقریباً موفق ظاهر شده و به دلیل ملودی‌های معروف در ترانه‌ها و موسیقی فیلم‌ها معروف شده‌است. تنظیم‌های او بسیار ساده و بدون پیچیدگی خاص بود و در عین حال می‌توانستید امضای او را در آثار و کارش ببینید. بسیاری از آهنگسازان در کارشان به اندازه‌های تنوع دارند که امضای خالق را در آثارشان نمی‌بینید و ایرادی هم ندارد، اما در بعضی از آهنگسازان از جمله ناصر چشم‌آذر می‌توانید این ویژگی را ببینید. چشم‌آذر در حوزه موسیقی کودک و فیلم‌های اجتماعی و درام بیشتر از بقیه حوزه‌ها کار کرده‌است. چشم‌آذر جزو کسانی بود که شاگرد تربیت نکرد و روی نوازندگی و آهنگسازی متمرکز بود. او از جمله آهنگسازانی بود که قریحه ذاتی و احساسش بر تکنیک برتری داشت؛ یعنی وقتی می‌نشست و می‌خواست اثری را بسازد، از نظر احساسی آن اثر را خلق می‌کرد و به صورت تکنیکال و بر اساس اصول آهنگسازی این کارها را انجام نمی‌داد. چشم‌آذر با خوانندگان متفاوتی چه قبل و چه بعد از انقلاب کار کرد و بیشتر آثاری که او در حوزه تیتراژ موسیقی فیلم داشته خواننده ندارد و اگر هم خواننده داشت، مناسب آن کار بود. به عنوان مثال، خلاف امروز که حتی برای موسیقی فیلم‌های پلیسی هم یک تیتراژ احساسی و غمگین می‌گذارند، چنین باوری نداشت و تنها برای کارهای خاص این کار را انجام می‌داد.



پیروز ارجمند  
موزیسین

جنون یک تار موست و او یک نابغه بود. این دو بعد در او بسیار محسوس بود و شیدا و شیفته از لحاظ عشق درونی و برونی بود. او اعتقاد ویژه‌ای نسبت به مولاعلی (ع) و نگاه انسانی و بخشنده‌ای به مردم اطراف خود و به ویژه طبقات پایین و نوازندگان دوره‌گرد داشت. از آنجا به بعد من و ناصر با هم رفیق شدیم و این رفاقت به عشق بین او و خواهرم رسید و ثمره آن رعنا چشم‌آذر است.

## یک گره عاطفی

شاهد احمدلو  
کارگردان



رابطه من و آقای چشم‌آذر به سال‌های دور بازمی‌گردد. قبل از آشنایی، آثار او را می‌شنیدم و مهم‌ترین آن فیلم «تاراج» به کارگردانی ایرج قادری بود. موسیقی که برای «تاراج» ساخته شد، جذابیت فیلم را دوچندان کرد و از زمانی که موسیقی این فیلم را شنیدم، شیفته سینما شدم. این برایم یک رویا بود که متوجه شوم چه کسی موسیقی فیلم «تاراج» را ساخته‌است و به خودم می‌گفتم، اگر یک روز فیلم بسازم، موسیقی آن را به آقای چشم‌آذر می‌دهم. این قضیه به فیلم «تیغ و ابریشم» مسعود کیمیایی رسید که مرحوم گیتی پاشایی آهنگساز بود و آقای چشم‌آذر هم کار سازهای الکترونیك را انجام می‌داد و از راه «تاراج»، پدرم با چشم‌آذر آشنا شد و به او گفت که پسرم دوست‌دار آثار شماست و علاقه‌مند است شما را ببیند. آقای چشم‌آذر آدمی مهربان و خاکی بود و پذیرفت که این اتفاق بیافتد و به منزل ما آمد و موسیقی «تاراج» را با دهنان برای او ناختم و هر بخشی را که می‌زد، می‌گفتم این کدام بخش فیلم است. زمانی تک‌خوان گروه سرود مدرسه بودم و با ناختم این قطعات آقای چشم‌آذر متوجه استعدادم شد و من را برای سرود «ای ایران» ناصر تقوایی معرفی کرد. در حقیقت تبدیل به هنرپیشه‌ای شدم که قبلاً «دندان مار» را کار کرده‌بودم و این موسیقی دنیایی برایم بود. پس از آن بازیگر فیلم «دره شاپرک‌ها» شدم که چشم‌آذر آهنگساز بود. یادم می‌آید همیشه حس غریب و دوری بین ما وجود داشت و انگار از کائنات و دنیاهای موازی شکل گرفته‌بود، چون او به کائنات و دنیاهای موازی علاقه‌مند بود و مطالعاتی در این رابطه داشت. این حس غریب بین ما وجود داشت که هر دو از میزان علاقه به یکدیگر آگاه بودیم. پس از آن فیلم دیگری به نام «حریف دل» بازی کردم که تبدیل به بازیگر نوجوانی شده‌بودم و آقای چشم‌آذر موسیقی آن را می‌ساخت. پس از اینکه بزرگ شدم، یک‌بار دعوت‌م کرد که او را ببینم و در همان دیدار مهم‌ترین گره عاطفی زندگی ما بسته شد و به‌جایی رسید که با خانواده ما آشنا شد و فامیل یکدیگر و در هم تنیده شدیم. او موسیقی چند فیلم کوتاه، فیلم «چند می‌گیری گریه کنی» و تقریباً تمام فیلم‌های سینمایی و تله‌فیلم‌های مرا با حمایت ویژه ساخت. آقای چشم‌آذر از لحاظ خلق‌وخو یک فرد معمولی و عادی نبود و این طبیعی است، چون مرز بین نبوغ و



یک پرونده جمع‌وجور برای مادر بزرگ مهربان سینما

# مصائب شیرین مامان‌تی



مریم راستمی

که این نقش را باید بازی کنم و این نقش من هست و کاری هم نمی‌توانم بکنم.»

رضا داوود نژاد هم که در فیلم مرهم با مادر بزرگ و پدرش در نقش نوه همبازی بود در مورد این دو اینگونه صحبت کرده بود: «با مامان و عزیز وقتی تمرین می‌کردیم، این قدر در نقش فرو می‌رفتند که وقتی کلید می‌زدیم، انگار زندگی می‌کردند.»

## اولین فیلم: مصائب شیرین سال ۱۳۷۷

مصائب شیرین اولین فیلمی بود که احترام‌سادات حبیبیان در آن به ایفای نقش پرداخت و در سال‌های ۷۷ و ۷۸ به خاطر آن، دو جایزه برد. اولی سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش دوم زن در هفدهمین جشنواره فیلم فجر در سال ۷۷ و دومی جایزه چهاردهمین دوره انجمن نویسندگان و منتقدان در سال بعدش. مصائب شیرین داستان نوجوانی‌ست به نام رضا که نزد مادر بزرگ مادری و پدرش زندگی می‌کند. رضا و دختر دایی‌اش مونا به هم دل می‌بندند اما این وضعیت خانواده‌ها را دچار نگرانی می‌کند و رضا و مونا از طرف خانواده‌های‌شان توبیخ می‌شوند. اختلاف‌ها بالا می‌گیرد در این بین دوستی مشترک تصمیم می‌گیرد که با دعوت دو خانواده به ویلای خود مجال بیان ناگفته‌ها را به آن‌ها بدهد. سرانجام خانواده‌ها تصمیم می‌گیرند دست

## فرزندان سینمایی

احترام‌سادات حبیبیان صاحب دو فرزند پسر بود. اولی علیرضا داوود نژاد نویسنده، کارگردان و تهیه‌کننده و دومی محمدرضا داوود نژاد بازیگر سینما و تلویزیون. او همچنین چند نوه سینمایی هم داشت؛ زهرا، رضا و علی فرزندان علیرضا و مونا دختر محمدرضا. از میان این چهار نوه و باقی خانواده سینمایی داوود نژاد، رضا بیشترین بازی را با مادر بزرگ داشته است. احترام‌سادات حبیبیان علاوه بر فرزندان و نوه‌هایش با مادر ناتنی‌اش هم همبازی بوده است. اشرف‌سادات مادر بزرگ علی‌رضا و مادر ناتنی احترام‌سادات در دو فیلم مرهم و کلاس هنرپیشگی حضور داشته و برای فیلم مرهم برنده جایزه بهترین بازیگر زن جشنواره فیلم دبی هم شد.

احترام‌سادات حبیبیان در مصاحبه‌ای درباره بازی در کنار مادر ناتنی‌اش این چنین گفته بود:

«عزیز (اشرف‌سادات) چهل سال است که سینما نرفته است و اهل سینما رفتن و فیلم دیدن هم نیست. من تحت‌تأثیر بازی او در فیلم مرهم قرار گرفتم. سر فیلم احساس خجالت داشتم که ایشان مدام از خدا حرف می‌زد و علیرضا نقشی را به من دادیم که فقط باید از پول حرف می‌زدم. اما در طول فیلمبرداری به خودم آرامش می‌دادم

می کنی خانوم ...  
 مامان اتی: ||| من پنجاه سال عمر تو ... به هم سال تو رو ... تو دامنم  
 بزرگ کردم...  
 رضا: پنجاه سال عمر من ...  
 مامان اتی: فکر کردی!  
 رضا: مامان! مامان داری زور می گی مامان.  
 مامان اتی: تو فکر می کنی من دارم زور می گم.  
 رضا: قبول کن اینوو...  
 مامان اتی: تو فکر می کنی من دارم زور می گم، کلوم زور؟ این زوره  
 که به تو می گم درست زندگی کن...؟

### آخرین فیلم؛ کلاس هنرپیشگی سال ۹۰

کلاس هنرپیشگی درباره خانواده‌ای است که گران شدن سکه و ارت  
 و میراث، تبدیل به مهم‌ترین دغدغه زندگی‌شان شده و صمیمیت و  
 احترام به یکدیگر را از یاد برده‌اند. از طرف دیگر کلاس هنرپیشگی  
 داستان یک عشق مثلثی را روایت می کند.  
 این بخش از مونولوگ‌های فیلم کلاس هنرپیشگی جزئی از  
 خاطره‌انگیزترین دیالوگ‌های فیلم است:  
 مامان اتی: دیشب خوابیده بودم ... خواب دیدم که مُردم ... نمی‌دونم...  
 مُرده بودم ... زنده بودم ... دیدم از بیرون صدا میاد ... پاشدم رفتم  
 بیرون ... ببینم چه خبره ... دیدم کسی نی ... بودنا! ... منو نمی‌دیدن ...  
 افتادم بیهوش به جون هم... وای وای وای ...  
 علی‌رضا داوودنژاد در آخرین روزهای زندگی مادرش از او می‌خواست  
 که زود خوب شود و در فیلم مصائب شیرین ۲ بازی کند. فیلمی که در  
 نهایت بدون احترام‌سادات حبیبیان ساخته شد

از سخت‌گیری بردارند.  
 شاید بد نباشد که دیالوگ‌های یکی از معروف‌ترین سکانس‌های این  
 فیلم به یادمانندی‌اش مرور کنیم:  
 رضا: من به سری آزادی‌ها می‌خوام.  
 مامان اتی: هر آزادی که می‌خواهی داری...  
 رضا: آزادی منم که میرم تا کلاس کاراته، لطف می کنی اجازه میدی  
 میرم تا کلاس کاراته.  
 مامان اتی: پس دیگه کجا بذارم بری؟  
 رضا: بابا من می‌خوام برم تنکابن این بدنسازی، چرا اجازه نمی‌دی برم؟  
 مامان اتی: بدنسازی؟!  
 رضا: بله.

مامان اتی: هنوز این کلاس کاراته رو تموم نکردی.  
 رضا: من کاراته‌م رو تا به جایی رسوندم، می‌خوام برم بدنسازی.  
 مامان اتی: نخیر هنوز کاراته‌ت رو به هیچ‌جا نرسوندی... چه برای  
 خودش آزادی می‌خواد...  
 رضا: اقا من هنوز می‌خوام دوست انتخاب کنم شما باید باباش رو  
 بشناسی مامانش رو بشناسی...  
 مامان اتی: بله بله باید بشناسم، اگه اینطور نمی‌کردم جز لات‌هایی  
 بودی کنار خیابون داشتن راه می‌رفتن...  
 رضا: باز می‌گه لات‌ها، اقا کسی که می‌گه من نمی‌دونم من اجازه  
 نمی‌دم، برای اجازه ندادنش به منطقی داره به استدلالی داره...  
 مامان اتی: منطق بالاتر از این نیست بالاتر از این که من تشخیص  
 می‌دم تجربه دارم، می‌فهمم چه کار کنم...  
 رضا: تجربه... تجربه ... شما داری با تجربه‌های ۵۰ سال قبل زندگی

## برای زنی که از جنس نور بود

ز دست محبوب ندانم چون کنم / وز هجر رویش دیده جیحون کنم  
 او گویی جسمانیت نداشت و هرچه بود حس بود، انرژی بود و عشق ...  
 زنی خستگی‌ناپذیر، زنی که سفره انداختنش تمامی نداشت و برکت و موهبت و محبتش بی‌کران بود، زنی  
 که رهبر خانواده بود؛ رهبری مقتدر، توانا، دانا و پر مهر ...  
 زنی که مرشد بود، زنی که راهبر و گره‌گشا بود. زنی که از جنس نور بود و سیاه‌ترین سیاهی‌ها با وجودش،  
 با حضورش، با نفس‌اش، با قدم‌اش با دست‌هایش روشن می‌شد. زنی که از دامنش همچنان هنر به معراج  
 می‌رود. زنی که از هر دو جهان آزاد بود. زنی که نه، انسانی که نه، موجودی که از هر دو جهان آزاد بود.  
 موجودی که از بافت هنر بود و هنرمندانه زندگی‌کردن را زیست و می‌آموخت و پرورش می‌داد و تنها ذکر و توصیه‌ای که داشت  
 خدایستدانه بودن زندگی بود. مادری که از خود مهنان، علی‌رضا، محمدرضا، فرحناز، زهرا، رضا و مونا داوودنژاد را در این جهان به ارث  
 گذاشت. باشد که به‌واسطه او روح ما قرین نور و آرامش شود.

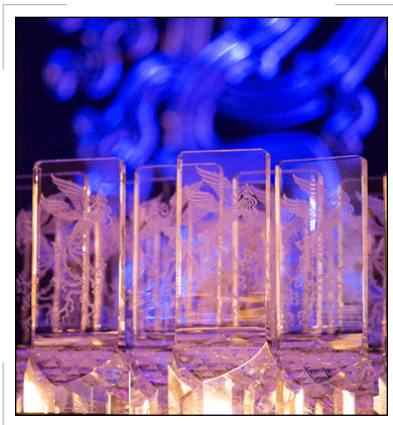


زهرا داوودنژاد  
 بازیگر



چرا سیمرغ در خارج از ایران تولید میشود؟

## درباره حواشی یک تندیس



به دنبال انتشار مطالبی درباره ساخت و تولید سیمرغ‌های بلورین جشنواره فیلم فجر در خارج از ایران که می‌توان منشأ آن را در ناآگاهی از شرایط صنعتی و اقتصادی چگونگی تولید آن‌ها و نبود تلاش در راستای کسب اطلاعات کافی و وافق جستجو کرد، پای صحبت‌های محمدعلی قنبری رییس اتحادیه شیشه و آینه تهران نشستیم تا با ما از چرایی ساخت این سیمرغ‌ها در خارج از ایران بگوید.

«برای ساخت این سیمرغ‌ها دستگاه‌های مخصوصی لازم است که باید وارد کرد، اما نکته اینجاست که برای ساخت ۱۰۰ یا حتی ۲۰۰ نمونه از این سیمرغ‌ها در طول یک سال، وارد کردن این دستگاه‌ها مقرون به صرفه نیست.

البته این محدودیت تنها مربوط به سیمرغ‌های جشنواره نیست. موارد مشابه دیگری هم هست که مجبور هستیم از خارج از کشور وارد کنیم، چون نمی‌توان برای یک پروژه‌ای که محدود به چند عدد تندیس یا کالایی خاص است اقدام به خرید دستگاه‌های گران قیمت کرد.

کاری که در بخش شیشه در داخل کشور انجام می‌دهیم مربوط به شیشه‌های ضدگلوله یا شیشه‌های ۱۹ میلیمتری و تراش دادن است، اما ساخت سیمرغ‌های جشنواره فجر یک کار خاص است و با دستگاه‌هایی که در صنف ما وجود دارد امکان ساخت آن‌ها نیست.

از بعد احساسی و غرور ملی می‌توانیم بگوییم بهتر است این سیمرغ‌ها در داخل کشور ساخته و تولید شود که نگاه خوبی هم هست، اما در بسیاری از مراکز حساس کشور قطعات و وسایلی داریم که از خارج از کشور می‌آید چون یا تولید داخلی آن‌ها مقرون به صرفه نیست یا توان ساخت داخلی آن وجود ندارد. بنابراین واردات آن‌ها نوعی صرفه‌جویی محسوب می‌شود.

حتی در همین صنف شیشه و آینه ما مجبوریم رنگ پشت آینه یا تلق وسط شیشه جلوی اتومبیل را از خارج بیاوریم. پس نباید حساسیت ایجاد کرد که مثلا چرا فلان چیز از

خارج وارد می‌شود.

به نظر من تمامی کسانی که این انتقادات را مطرح می‌کنند برخوردی کاملا احساسی دارند، چراکه به لحاظ توانایی داخل و صرفه اقتصادی نمی‌توان برای ساخت ۳۰ یا حتی ۱۰۰ سیمرغ دستگاه‌های خاص و گران وارد کرد».

روشن‌گری‌های رییس اتحادیه شیشه و آینه تهران در زمینه ساخت سیمرغ جشنواره فیلم فجر در خارج از کشور در حالی صورت گرفت که این موضوع پیش‌تر با انتقادهایی همراه شده بود. ابراهیم داروغه‌زاده دبیر جشنواره نیز در این باره اینگونه توضیح می‌دهد: «تولید سیمرغ بلورین به خاطر شکل یک‌تکه و کریستالی آن، نیازمند دستگاه‌های خاصی است که آن دستگاه‌ها در داخل کشور وجود ندارد. همچنین برای تولیدکنندگان داخلی نیز مقرون به صرفه نیست که برای ساخت ۳۰ سیمرغ در طول یک سال آن ابزار و امکانات را وارد کشور کنند».

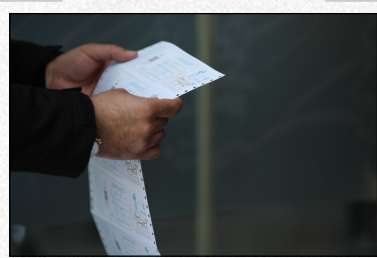
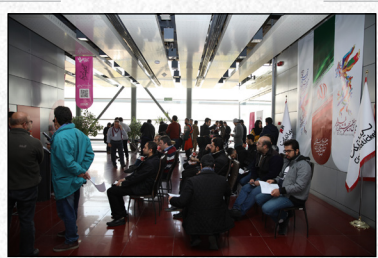




داوران بخش مسابقه تبلیغات و نگاه نو فجر سی و هفتم



عکس: حسن همدانی



تحویل بسته‌های پیش‌فروش شده سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر

عکس: حمید فروزی



تحويل بلیت‌های پیش‌فروش شده سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر



عکس: حمید فروغی

## چند برش کوتاه از بازتاب‌های ادوار جشنواره فیلم فجر در مطبوعات جهان آینه تمام‌نمای جامعه ایران

ندا لهردی

سینمای ایران در سال‌های اخیر چهره موهجی در دنیا پیدا کرده است و به همین دلیل اتفاقات و مسایل آن اغلب برای رسانه‌های خارجی جالب توجه است. با این حال اما در سال‌های نه‌چندان دور و از زمانی هم که روند رشد صنعت سینما در ایران سرعت قابل قبولی به‌خود گرفته بود، گزارشگران و رسانه‌های معتبر دنیا وقایع آن را به شکلی جدی دنبال می‌کردند. با این اوصاف است که می‌توان رد پای جشنواره فیلم فجر را به عنوان مهم‌ترین رویداد سینمایی کشور، در آرشیو مطالب سال‌های گذشته بعضی از مهم‌ترین رسانه‌های جهان رصد کرد.

اجتماعی در میان جوانان ایران است. فیلم «دوران عاشقی» ساخته علیرضا رئیسیان با بازی لیلا حاتمی هم یکی دیگر از فیلم‌های محبوب جشنواره سی‌وسوم بوده که به موضوع روابط و بارداری ناخواسته پرداخته است. این فیلم اما به عقیده خبرنگار گاردین چندان با محتوا و گیرا نبوده است. در نهایت فیلم «خانه دختر» که درباره موضوع آزمایش دوشیزگی ست، شاید جنجالی‌ترین فیلم آن سال از نظر گاردین بوده است.



### تصویری لوکس از ایران

۱۹ فوریه ۲۰۱۵

گزارش گاردین از جشنواره فیلم فجر چهار دوره قبل به تمرکز فیلم‌ها روی موضوعات اجتماعی و محبوب مخاطبان می‌پردازد. ظاهراً در سال ۲۰۱۵ (۹۴ شمسی) طلاق، سقط جنین و خیانت موضوعات جالب توجه و روز جامعه بوده‌اند. در این میان اما چیزی که توجه خبرنگار گاردین را به خود جلب کرده، نمایش تصویری از ویلاهایی با استخرهای بزرگ و خانه‌های لوکس و باشکوه در فیلم‌های آن سال جشنواره است. این در حالی است که به عقیده گاردین، جشنواره سی‌وسوم فجر فیلم‌های ضعیف‌تری نسبت به دوره‌های قبل داشته است.

در نهایت اما فیلم‌های برنده‌ای که به گیشه می‌رسند، بازیگران معروف و محبوب سینمای ایران را در اختیار داشته و مضامینی از خیانت، اعتیاد به مواد مخدر و دیگر آسیب‌های جامعه را به نمایش می‌گذارند. در جشنواره سی‌وسوم، فیلم «رخ دیوانه» ساخته ابوالحسن داوودی که با پنج سیمرغ، بیشترین جوایز این دوره را به خودش اختصاص داد، تریلری جالب درباره شیوع بی‌رویه شبکه‌های

### صف‌های بلند سینمایی

۱۱ فوریه ۲۰۱۴

گاردین همچنین جشنواره پنج دوره قبل را هم پوشش داده بود و در گزارشی تأکید کرده‌است که جشنواره سی‌ودوم فیلم فجر گاهی استعدادهای تازه در این عرصه را کشف می‌کند، اما بیشتر روی آنچه از گذشته دارد، متمرکز است. گزارشگر گاردین به حواشی این جشنواره و مشکلات مربوط به تهیه بلیت فیلم‌ها در صف‌های طولانی اشاره کرده و نوشته‌است: «مردم و علاقمندان سینما ساعت‌ها در صف‌های طولانی



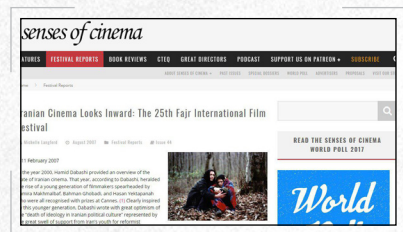
می‌تواند روی روند سانسور و ممیزی فیلم‌های سینمایی تأثیر داشته باشد. دیدگاه کلی گزارشگر Sense of Cinema به جشنواره بیست‌وپنجم چندان مثبت نیست و علت آن را هم به امیدواری نه‌چندان قوی فیلمسازان به حمایت دولت از فیلم‌هایشان مربوط می‌داند. او معتقد است که این شرایط، سینمای ایران را به صنعتی داخلی تبدیل کرده که در آن کمتر نشانه‌ای از تلاش برای تبدیل به صنعتی جهانی و همراهی با استانداردهای سینمای روز دنیا وجود دارد.



## فجر، نسخه ایرانی اسکار ۱۰ فوریه ۲۰۰۴

نگاه نشریه SF Gate به جشنواره ۱۵ سال پیش بسیار مثبت و روشن بوده است. این نشریه جشنواره فیلم فجر را به جشنواره فیلم کن تشبیه کرده و آن را عامل رونق صنعت سینما و حتی صنعت سرگرمی ایران معرفی کرده‌بود. گزارشگر این نشریه معتقد است: «در ایران خبری از زندگی شبانه نیست و کنسرت‌های بسیار کمی برگزار می‌شود، اما سینماها حساسی رونق دارند و مهم‌ترین عامل سرگرمی مردم ایران در این سال‌ها هستند. با این اوصاف است که سینما و فیلم‌های ایران به ابزاری قدرتمند و بانفوذ در جامعه ایران تبدیل شده‌اند که می‌توانند کلیدی از شرایط حاکم بر این کشور را نشان بدهند. جشنواره فیلم فجر نسخه ایرانی جشنواره‌های کن یا اسکار است که در طول ۱۰ روز بزرگ‌ترین کارگردانان و ستاره‌های سینمای ایران را دور هم جمع می‌کند تا آخرین ساخته‌هایشان را برای اولین بار در حضور روزنامه‌نگاران، مهمانان خارجی و علاقه‌مندان به سینمای این کشور به نمایش بگذارند.» به عقیده گزارشگر این نشریه، در آن سال‌ها جامعه ایران بیشتر به فیلم‌هایی با مضامین اجتماعی و چالش‌های زندگی روزمره علاقه‌مند شده بود و دیگر کمتر به سراغ فیلم‌های طنز و کمدی می‌رفت.

می‌ایستند، با هم درباره فیلم‌ها حرف می‌زنند و برندگان سینما را با پیش‌بینی می‌کنند و در میان این بحث و گفتگوها، دوستی‌های جالبی هم شکل می‌گیرد که ممکن است عمری به اندازه ۱۰ روز جشنواره داشته یا حتی عمیق‌تر و طولانی‌تر شود. این مردم برای دیدن داستان‌هایی از کشورشان که بعضی از آنها کاملاً تکراری‌ست، به سینماها هجوم می‌آورند و همچنان معتقدند که حتی در تکرار این داستان‌ها هم گاهی هیولای سانسور حضور پررنگی دارد. شاید جشنواره فیلم فجر نمادی کوچک از جامعه ایران در طول سال‌های گذشته باشد.» گزارشگر گاردین اما پیش از هر چیزی تحت تأثیر جمعیت زیاد مشتاق تماشای فیلم‌ها شده است که اغلب جوانانی از تهران و شهرهای اطراف هستند که با وجود شکاف‌های عمیق اجتماعی و اقتصادی پشت گیشه سینماها کنار هم صف کشیده‌اند. تقریباً تمام کارگردان‌های مطرح و شناخته‌شده ایرانی با فیلم‌هایشان در این جشنواره شرکت می‌کنند و باهم به رقابت می‌پردازند اما به عقیده برخی از تحلیل‌گران، بسیاری از این کارگردانان معروف دیگر حرف تازه‌ای در فیلم‌هایشان نمی‌زنند.



## یک تقابل سیاسی ۱۱ فوریه ۲۰۰۷

نشریه ۱۲ Sense of Cinema سال پیش وقایع روزهای جشنواره فیلم فجر را پوشش داده و فضای حاکم بر آن را با شرایط جامعه پیونده زده بود. گزارشگر این نشریه مقایسه نسبی از صنعت سینمای ایران و جشنواره فیلم فجر در دوره اصلاحات و دوره بیست و پنجم آن که در دوره ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد برگزار شد، پرداخته است. این نشریه حمایت از فیلمسازان جوان و شکل‌گیری نگاه جهانی تازه‌ای به سینمای ایران در دوره اصلاحات را با حاکمیت ایدئولوژی و سیاست داخلی کشور بر فیلم‌ها در دوره رییس جمهور اصول‌گرای آن زمان مقایسه می‌کند و به این موضوع پرداخته که چقدر سینمای ایران سیاسی است و اینکه این فضای سیاسی تا چه حد

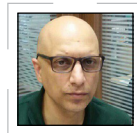
## در جستجوی ثبات

را نمی‌دانیم و اصلا نمی‌دانیم هدفمان از برگزاری جشنواره چیست. در دهه ۶۰ تکلیف جشنواره روشن بود و معلوم بود برای چه برگزار می‌شود. حتی اواخر دهه هفتاد هم به‌نظرم با فراز و فرودهایی تکلیف جشنواره روشن بود، ولی می‌توانم به ضرس قاطع بگویم از سال هشتاد و دو - هشتاد و سه اصلا تکلیف جشنواره معلوم نیست و بسته به برگزار کننده‌اش بین جشنواره، گردهمایی و دوره‌می جابه‌جا می‌شود. جشنواره برای اینکه رشد کند و موثر باشد به اهداف مشخصی احتیاج دارد. اهداف جشنواره امروز قطعا نمی‌تواند مثل دهه‌های شصت و هفتاد باشد. این را همه می‌دانیم اما اهداف امروز جشنواره باید مشخص باشد.

برای داشتن یک جشنواره خوب به برنامه‌ریزی، استمرار، ثبات، آینده‌نگری و درک شرایط روز نیاز است. منظور از شرایط روز شرایط رسانه‌ها، فضای عمومی سینما، فضای جهانی سینما، شرایط مخاطبان جدید سینما، سینماگران جدید، رویکردهای جدید و مانند این‌هاست. بعد از شناخت این شرایط مهم‌ترین کار برنامه‌ریزی برای اجرا و تاثیرگذاری باتوجه به همین شرایط جدید خواهد بود. یکی از درآوردترین نکته‌هایی که من ۳۲ سال است می‌گویم این است که ما سی‌وشش دوره جشنواره برگزار کرده‌ایم و هنوز جشنواره مستاجر است. این خیلی بد است. البته این را هم می‌دانم که همه مدیران حسن نیت داشته و دارند اماری یک جشنواره موثر، مفید صاحب شخصیت و صاحب هویت حسن نیت به تنهایی کفایت نمی‌کند.

شاهین امین  
منتقد

مهم‌ترین نکته‌ای که به‌نظر من برای هر جشنواره‌ای لازم است ثبات و برنامه‌ریزی برای آینده است. اینکه طبق یک برنامه و نقشه راه جلو برود و در عین حال برای



اجرای این نقشه ثبات و استمرار داشته باشد. من فکر می‌کنم متأسفانه جشنواره فیلم فجر به‌ویژه از اوایل دهه ۸۰ به‌صورت مداوم دست‌خوش تغییرات زیادی بوده که عملا باعث شده جشنواره هویت و شکل ثابتی نداشته‌باشد. این حرف را من هر سال تکرار می‌کنم و فکر می‌کنم باید آنقدر گفت تا یک جشنواره مشخص و دارای یک نقشه‌راه و ثبات در برنامه‌ریزی و فرم ارائه شود و حتی در مکان و زمانی ثابت رخ دهد. خوشبختانه به‌خاطر این که زمان جشنواره در بازه مشخصی است در برگزاری جشنواره به لحاظ زمانی ثبات وجود دارد، اما در باقی موارد این اتفاق دل‌خواه نمی‌افتد. جشنواره فیلم فجر یک سال دوره کوتاهی دارد، یک سال فیلم‌های کم است، یک سال دوره طولانی‌تری دارد و این دست تفاوت‌ها و بی‌ثباتی هر ساله باعث می‌شود شخصیت جشنواره زیر سوال برود. البته اگر ما جشنواره را به صورت کلی محل نمایش فیلم‌های جدی برای مخاطبان جدی بدانیم، می‌توانیم دلیل بسیاری از این اتفاقات را درک کنیم، اما نکته اصلی من این است که ما انگار تکلیف‌مان با جشنواره‌مان مشخص نیست. نمی‌دانیم جشنواره یک هفته‌ای می‌خواهیم یا ۱۰ روزه. جشنواره سراسری می‌خواهیم یا جشنواره‌ای در پایتخت. این‌ها



# به امید اتفاق



فکر کنم جشنواره فیلم فجر سال ۹۴ بود که جشنواره خیلی متفاوتی داشتیم و بعد از مدت‌ها چند فیلمساز تازه‌نفس به سیمنمای ایران اضافه شده بود؛ نرگس آبیار، سعید

روستایی و محمدحسین مهدویان، روستایی و مهدویان کارگردان فیلم‌اولی بودند. محمدحسین مهدویان فیلم ایستاده در غبار را داشت و سعید روستایی فیلم ابد و یک روز. یادم هست از هیات انتخاب هم خبرهایی درز کرده بود که سعید روستایی یک فیلمساز عجیب و غریب فیلم‌اولی است که هیچ‌کس نمی‌تواند فکر کند چه فیلم خوبی ساخته و فیلمش حتی توان رقابت با فیلم‌های بخش سودای سیمرغ را هم دارد. آن سال جشنواره در برج میلاد برگزار می‌شد و روز اکران ابدویک‌روز من و همکارم در مسیر روزنامه تا برج میلاد در ترافیک سنگینی گیر کردیم. پارکینگ هم پر شده بود و ماشین را جایی روی تپه‌های نزدیک برج پارک کردیم و بدویدو به سالن رسیدیم. دو-سه دقیقه از فیلم گذشته بود و هم سالن پایین و هم سالن بالا پر شده بود. بالاخره رفتیم داخل همان سالن بالا و تمام مدت فیلم را ایستاده تماشا کردیم. یادم هست موقع دیدن فیلم اصلا احساس خستگی نکردم و آنقدر که محو پرده بودم حتی به ذهنم هم خطور نمی‌کرد که باید بنشینم. یادم می‌آید که صدای نفس‌ها را هنگام نمایش آن فیلم می‌شد شنید، آنقدر که فیلم همه را تحت‌تأثیر قرار داده بود.

بهترین دوره‌های جشنواره فیلم فجر زمان‌هایی هستند که چنین فیلم‌هایی در جشنواره حضور دارند. من خیلی امید دارم که جشنواره امسال هم چنین جشنواره‌ای شود و با

توجه به اسامی که خواندم امید خیلی بی‌راه هم نیست. این امید فقط به این دلیل نیست که ترکیب همان اسم‌های آن سال تکرار شده بلکه شاید مهم‌ترین دلایل برگشت بخش نگاه‌نو باشد. الان وقتی فهرست فیلم‌های نگاه‌نو را می‌خوانیم بیشتر از نود درصدشان کنجکاوی‌برانگیز هستند؛ یعنی آدم‌هایی که یا از تئاتر آمده‌اند یا سابقه آنان را در پشت‌صحنه سینما می‌شناسیم. وقتی هم خلاصه داستان فیلم‌ها را می‌خوانیم می‌بینیم که افکار صاحبان فیلم‌ها چقدر متنوع است و امسال چقدر فیلم‌های جالبی می‌توانیم داشته باشیم. راستش از حالا خیلی شور و هیجان دارم برای جشنواره‌ای مثل همان جشنواره سه سال پیش که برعکس جشنواره سال گذشته پر از اتفاق بود. به‌ویژه که امسال نظم و ترتیب و شفافیت برگزارکنندگان جشنواره در صدور کارت و همچنین تعیین موعد مقرر برای دریافت فیلم‌ها امیدواری‌ام را برای یک جشنواره پرشور و منظم بیشتر می‌کند.

صوفیا نصراللهی  
روزنامه نگار



# ستاد کارت و بلیت مجانی در ایران

بهار تو صف سینما بودم برم داخل، به نفر اومد سلام و علیک گرمی کرد و گفت: «آقا، ما همه جا شما رو دنبال می کنیم». راستش خودمم چند وقت بود احساس می کردم به نفر داره دنبال می کنه ولی فکر می کردم دچار پارانو یا اسکیزوفرنی شدم. تو این فکر بودم که شاید برام مامور و پیا گذاشتن که با ادامه حرفای طرف متوجه شدم منظور از دنبال کردن، همون فالو کردن تو شبکه‌های اجتماعی. بعد به پاس فالوها و لایک‌هاش انتظار داشت بهش بلیت مجانی بدم. خب دوست عزیز! شما که به سینما علاقه‌داری و اصرا درای فیلم‌ها رو تو جشنواره ببینی، سر کیسه رو شل کن. صد-صدو خورده‌ای خرجش می شه. اگه نداری که این طبیعیه و خیلی هامون نداریم، دندون رو اون جیگر قشنگت بذار تا فیلم‌ها اکران بشه. اگه بازم نداشتی، صبر کن دی‌وی‌دی فیلم بیاد؛ اگه نه، چندم، برو دائلود غیر قانونی کن. البته همکارانم از اتاق فرمان اشاره می کنن که دائلود غیر قانونی کار بدیه ولی فقط شما از ما بیا بیرون، بذار آسایش داشته باشم. رو پیشونی ما نوشته «باجه توزیع بلیت‌های رایگان»؟ برو عامو؛ ما خودمون دستمون تو جیب یکی دیگه است ازش کارت مجانی بگیریم!

محمد رضا نصیری

نزدیک جشنواره فجر که می شه همه دنبال بلیت یا کارت مجانی می گردند. فقط کافی ست بفهمند به سینمای ایران علاقه داری؛ شاطر نونوایی بربری هم که تا دیروز جواب سلام نمی داد از آدم بلیت مجانی می خواد. فقط بلیت سینما که نیست. می آیی کارت بلیت بی آر تی بگشی، به عده کمین کرده اند ببینند چقدر شارژ داری، فوری می کن «داداش، یکی هم برای ما بزن». آقا زنگ در که نیست مجانی باشه یکی هم واسه شما بزنیم؛ بلیت، پول رفته بالا. بشدختی که یکی دو تانیست؛ چند شب پیش داشتیم از جوب می پریدم بهو دیدم یه نفر می پرسه بلیت داری؟ شنیده بودم قراره توئل رسالت و توحید پولی بشه ولی پرین از جوب که هنوز بلیتی نشده؛ بپر دیگه.

حالا از همه ارگان‌ها برای بلیت جشنواره درخواست دادن؛ حتی از پتروشیمی سمنان، صدلوسیم - ۴۰۰ تا کارت خواسته یعنی تقریباً در ازای هر ۱۰ مخاطب شبکه‌های تلویزیونی، یه کارت جشنواره باید به دست اندر کاران این شبکه‌ها تعلق بگیره. به هر حال، مجری به بر نامه آشپزی اگه فیلم‌های جشنواره رو دیده باشه، بهتر می تونه به مخاطب ارگه «تمک، به میزبان لازم».





فرخ نژاد بود. اصغر فرهادی در این دوره با بردن هفت سیمرغ اصلی جشنواره پیشتاز بود.

### سی‌امین جشنواره فیلم فجر

محمد خزاعی دبیر جوان سی‌امین جشنواره فیلم فجر شد تا این انتخاب حرف و حدیث‌هایی را به دنبال داشته باشد، اما در نهایت خزاعی به لحاظ برگزاری جشنواره از مراسم افتتاحیه تا اختتامیه و نمایش فیلم‌ها در سالن‌های مردمی و برج میلاد، نمره قبولی دریافت کرد. اما به لحاظ فیلم‌های حاضر در جشنواره این روند به عکس عمل کرد و کیفیت آثار آنچنان که باید مورد رضایت اهالی رسانه، منتقدان و مردم نبود. برجسته‌ترین نام در بخش فیلم اولی‌ها رضا عطاران بود که با کارگردانی و بازیگری در کمدی متفاوت «خواهیم می‌آد» خود را به چهره اول این بخش تبدیل کرد و در نهایت توانست سیمرغ بهترین کارگردانی را از آن خود کند و فیلمش نیز مورد استقبال واقع شد. «روزهای زندگی» به کارگردانی پرویز شیخ‌طادی هم توانست بیشترین سیمرغ را در این دوره به خود اختصاص دهد. اما یکی از آثاری که همه در انتظار آن بودند فیلم «فلاسه‌های طلا» به کارگردانی ابوالقاسم طالبی بود که به جریانات پس از انتخابات جنجالی سال ۸۸ پرداخته بود و اکران آن در سالن رسانه‌ها با شرایط ویژه‌ای برگزار شد و موافقان و مخالفان بسیاری داشت.

## مسترسرچر

میلم محمدی

### بیست‌ونهمین جشنواره فیلم فجر

شاید مسعود مسعود شاه‌ی که برای دومین سال پیاپی دبیری جشنواره را بر عهده داشت، فکر این را هم نمی‌کرد که در دومین سال هم جشنواره‌ای جنجالی و پر از حاشیه را برگزار کند. از اعتراض‌ها به کیفیت پخش فیلم‌ها در سالن برج میلاد تا حواشی فیلم‌هایی چون «فرزند صبح» و «گزارش یک جشن» و ... که اجازه نداد جشنواره این‌دوره هم بی‌حرف و حدیث به پایان برسد. اما «جدایی نادر از سیمین» به کارگردانی اصغر فرهادی فیلمی بود که به شدت تنور جشنواره را داغ کرد و بسیار مورد توجه منتقدان، اهالی رسانه و همچنین مردم قرار گرفت و حتی بعدها نیز در جشنواره‌های معتبر جهانی افتخاراتی به‌دست آورد و توانست اولین جایزه اسکار تاریخ سینمای ایران را به نام خود ثبت کند. در این جشنواره بود که حامد بهداد توانست اولین سیمرغ بلورین خود را برای بازی در نقش مکمل فیلم «جرم» مسعود کیمیایی دریافت کند و یکی دیگر از جوایز جالب این‌دوره هم اهدا سیمرغ بلورین بهترین فیلم اول به فیلم «سفر سرخ» به کارگردانی حمید



موافقتان و مخالفان زیادی داشت و البته بعدها هم توانست در جشنواره‌های بین‌المللی جوایزی را به خود اختصاص دهد. اما احمدرضا درویش با فیلم عاشورایی «ستاخیز» به جشنواره آمده بود که با وجود پیش‌تاز شدن در دریافت سیمرغ‌های جشنواره که عدد آن به هشت رسید و با اقبال داوران مواجه شد، پس از جشنواره از حاشیه‌ها بی‌نصیب نماند و اکران نشد و حاتمی‌کیا نیز این بار سراغ شهید مصطفی چمران رفته بود و فیلم «چ» را به جشنواره آورده بود که منتقدان و خبرنگاران تفاسیر و نقدهای متفاوتی از این اثر داشتند. «شیار ۱۳۳» به کارگردانی نرگس آبیاری هم یکی دیگر از آثار بود که مورد توجه منتقدان قرار گرفت و مریلا زارعی برای حضور در این فیلم، سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن را دریافت کرد.

### سی و سومین جشنواره فیلم فجر

قرعه‌دبیری باز هم به نام علیرضا رضاداد افتاد تا برای ششمین بار این مسوولیت را برعهده داشته باشد و به یکی از رکورد داران دبیری جشنواره فیلم فجر تبدیل شود. مجید مجیدی که قرار بود فیلم «محمد رسول الله» به کارگردانی او به‌عنوان فیلم افتتاحیه جشنواره اکران شود، به‌عنوان رییس هیات داوران این دوره انتخاب شد. ابوالحسن داودی با دهمین فیلم کارنامه خود یعنی «رخ دیوانه» جوایز اصلی را از آن خود کرد و جوایز بهترین فیلم، بهترین کارگردانی و بهترین فیلم از نگاه تماشاگران و دو جایزه دیگر را از آن خود کرد. یکی از جوایز مورد توجه این دوره، سیمرغ بلورین بهترین بازیگری نقش اول مرد بود که سعید آقاخانی با ایفای نقشی متفاوت در «خداحافظی طولانی» به کارگردانی فرزاد موتمن، برای اولین بار این تندیس را با خود به خانه برد و تحسین منتقدان

### سی و یکمین جشنواره فیلم فجر

محمدرضا عباسیان در این دوره سکان دبیری جشنواره را به‌دست گرفت تا باز هم یک جوان دیگر عهده‌دار این مسوولیت خطیر باشد. مهم‌ترین فیلم‌هایی که بسیاری علاقه داشتند آن‌ها را به تماشا بنشینند، «استرداد» به کارگردانی علی غفاری، «دهلیز» به کارگردانی بهروز شعبی، «کلاس هنرپیشگی» علیرضا داود نژاد، «چه خوبه که برگشتی» داریوش مهرجویی، «در بند» پرویز شهبازی، «هیس دخترها فریاد نمی‌زنند» پوران درخشنده و «حوض نقاشی» به کارگردانی مازیار میری بود. اما فیلم «سواپی» به کارگردانی مسعود ده‌نمکی هم یکی از آثاری بود که این کارگردان پس از سه‌گانه «خراجی‌ها» آن را در فضایی متفاوت راهی جشنواره کرده بود و اکبر عبدی و الناز شاکر دوست نقش‌های جنجالی را برعهده داشتند. فیلم داریوش مهرجویی هم در این دوره با انتقاداتی روبه‌رو شد و نتوانست انتظارات را برآورده کند. حمید فرخ‌نژاد هم در این دوره دومین سیمرغ بلورین خود را برای نقش اول مرد در فیلم «استرداد» دریافت کرد تا در کنار یک سیمرغ کارگردانی که برای «سفر سرخ» دریافت کرده بود، برای سومین بار این تندیس را به خانه ببرد.

### سی و دومین جشنواره فیلم فجر

علیرضا رضاداد، دبیر باسابقه جشنواره فیلم فجر بار دیگر این مسوولیت را برعهده گرفت. سی و دومین جشنواره فیلم فجر هم با حواشی بسیاری مواجه شد. دو فیلم «عصبانی نیستم» به کارگردانی رضا درمیشیان و «اشغال‌های دوست داشتنی» به کارگردانی محسن امیربوسفی، فیلم‌هایی بودند که حرف و حدیث‌های بسیاری در مورد آن‌ها به‌وجود آمد. فیلم سینمایی «قصه‌ها» از رخشان بنی‌اعتماد هم اثری جنجالی بود که





در این دوره از جشنواره برای نخستین بار زمان بندی اکران فیلمها در سالن رسانهها بر اساس قرعه کشی و با حضور اهالی رسانه انجام شد و دیگر چالش این دوره از جشنواره تغییر سینمای رسانهها از برج میلاد به پردیس سینمایی ملت بود.

## سی و پنجمین جشنواره فیلم فجر

با تمام انتقاداتی که در دوره گذشته به دبیری محمد حیدری در جشنواره وارد شد، حجتا... ایوبی بار دیگر وی را به عنوان دبیر سی و پنجمین جشنواره فیلم فجر ابقا کرد. اولین اتفاق مهم امسال ادغام بخش نگاه نو با سودای سیمیرغ بود، به این شکل که کارگردانان پیشکسوت با کسانی که اولین فیلم خود را ساخته بودند در یک دسته قرار گرفتند. در این دوره منتقدان به دلایلی جشنواره را تحریم کردند و در نشستها حضور پیدا نکردند. پس از اعلام نامزدهای دریافت سیمیرغ بلورین، اعتراضات فراوانی به راه افتاد و مینزه فیدی، مسعود سلامی و محسن نصراللهی به نشانه اعتراض از نامزدی خود برای دریافت سیمیرغ انصراف دادند. در این دوره دو سیمیرغ بلورین در بخش بهترین بازیگری نقش اول زن به لیلا حاتمی و مریلا زارعی اهدا شد. «بدون تاریخ بدون امضاء» وحید جلیوند، «ماجرای نیمروز» محمدحسین مهدویان، «تابستان داغ» ابراهیم ایرج زاد، «رگ خواب» حمید نعمت...، «خفته گی» فریدون جیرانی و «ویلاهای ما» به کارگردانی منیر قیدی از فیلمهای مهم این دوره از جشنواره بودند.

## سی و ششمین جشنواره فیلم فجر

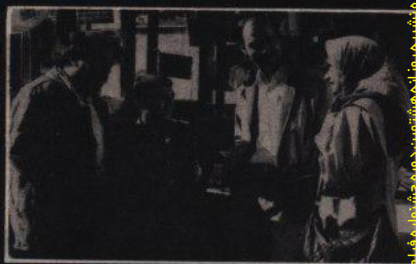
ابراهیم داروغزاده در این دوره برای نخستین بار دبیر جشنواره فیلم فجر شد. در این دوره از جشنواره برای نخستین بار زمان بندی اکران فیلمها در سالن رسانهها بر اساس قرعه کشی و با حضور اهالی رسانه انجام شد و دیگر چالش این دوره از جشنواره تغییر سینمای رسانهها از برج میلاد به پردیس سینمایی ملت بود که حواشی مختلفی را هم به دنبال داشت، هر چند که بیشتر حاضران در سینمای رسانهها از شکل برگزاری و اکران آثار رضایت کامل داشتند. «مغزهای کوچک زنگ زده» به کارگردانی هومن سیدی و «تنگه ابوقریب» به کارگردانی بهرام توکلی پدیدههای این دوره از جشنواره بودند. امیر جدیدی در این دوره برای بازی در دو فیلم «تنگه ابوقریب» و «عرق سرد» اولین سیمیرغ بلورین خود را در رشته نقش اول مرد دریافت کرد. فیلم سینمایی «به وقت شام» هم یکی از آثار پرحاشیه جشنواره بود که حاتمی کیا توانست سیمیرغ بهترین کارگردانی را به صورت مشترک با بهرام توکلی برای «تنگه ابوقریب» دریافت کند. «شعله ور» به کارگردانی حمید نعمت... و با بازی متفاوت امین حیایی هم از دیگر آثار مهم جشنواره بود. سارا بهرامی هم برای بازی در نقش اول فیلم «دارکوب» اولین سیمیرغ بلورین خود را دریافت کرد.



را برانگیخت. هومن سیدی که پیش از این برای کارگردانی فیلم سینمایی «آفریقا» در بیست و نهمین دوره جشنواره فیلم فجر سیمیرغ بلورین را دریافت کرده بود، در این دوره با بازی در فیلم سینمایی «من دیه گو مارادونا هستم» به کارگردانی بهرام توکلی توانست سیمیرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد را از آن خود کند.

## سی و چهارمین دوره جشنواره فیلم فجر

شاید یکی از برجسته ترین اتفاقات و حواشی این دوره از جشنواره حضور محمد حیدری به عنوان دبیر این رویداد سینمایی بود که اهالی فرهنگ و هنر بیشتر او را در فضای مدیریتی تئاتر می شناختند و همین باعث شد تا رسانهها انتقادات فراوانی نسبت به این انتخاب داشته باشند. بی تردید می توان این دوره را به نام فیلم اولیها ثبت کرد. سعید روستایی با اولین فیلم خود یعنی «ابد و یک روز» توانست در ۱۰ رشته نامزد دریافت جایزه شود و سیمیرغهای اصلی نیز بر دوش این کارگردان تازه از راه رسیده نشست. محمدحسین مهدویان هم دیگر کارگردان فیلم اولی بود که با «ایستاده در غبار» نگاهها را به سمت خود جلب کرد. البته که کمال تبریزی با فیلم «امکان مینا» و برخلاف انتظار منتقدان و صاحب نظران در ۹ بخش کاندیدا جایزه شد و در کنار این کارگردانان جوان، به عنوان یکی از فیلمسازان با سابقه حضور داشت. نوید محمدزاده هم پس از حواشی جشنواره سی و دوم که در نهایت به او نرسید، بالاخره با بازی در فیلم «ابد و یک روز» اولین سیمیرغ خود را به خانه برد. فیلم سینمایی «بادیگارد» به کارگردانی ابراهیم حاتمی کیا و «زدها وارد می شود» به کارگردانی مانی حقیقی از دیگر آثار مطرح این جشنواره بودند.



زیربامهای شهر - مادر

نشریه روزانه  
۱۶ بهمن ۱۳۶۸



# موقعیت در عصر

«کومیتاس را تاکنون در بیبه داده‌اند و در مجموع از آن است.» این نکته را دان آسکار جوان این فیلم در تهران می‌گوید بعد از فیلم خرس است که برای ساخته شده بود و آن هم با استقبال «در هر دو فیلم خرس و مشترک وجود دارد که اصلاً سالهای من است. من می‌خواهم امروزی به چه صورت و با چه فرهنگ خویش است. می‌خواهم کنم. به عقیده من انسان ما ویرانسازی فرهنگی است که می‌کند».

«وضعیت و موقعیت نشاندهنده موقعیت هنرمند است زندگی نمی‌کرد. کومیتاس بیمارستان روانی گذراند، در اما او زندگی با بیماران روانی ترجیح می‌داد».

آسکاریان معتقد است اروپا از کومیتاس این است تجاری خسته شده‌اند و این فیلم مطرح می‌کرد و شکل عرضه داشت.

«مردم از عرفان نهفته سخت مشتاق بودند، رمز و راز این در حالی است که در کومیتاس برای جامعه امروز

# دوبله همز

برای اولین بار در ایران در اختصاص به نمایش فیلمهای



نگاه کنید به تاریخ که گوشزد می‌کند شانزدهم بهمن سال ۱۳۶۸ را. نگاه کنید به یک روایت و خاطره مکتوب از هشتمین جشنواره فیلم فجر که دلش خوش است که «زیر بامهای شهر» یک «مادر» قرار است بلاکش باشد برای یک زندگی، صد خیال و هزار درد. مادر آنقدر بلند مرتبه است که هیچ‌گاه نمی‌توان از اهمیتش غافل شد، فیلم را می‌گوییم وگرنه مادر منزلتی ورای این حرفها دارد.

فجر  
هفتم